

جهت نما

۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی

محسن قرائتی

به کوشش سید مجتبی مهدوی

بسم الله الرحمن الرحیم

جهت نما (۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی)

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جهت نما (۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی)

مشخصات کتاب

سرشناسه:قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور:جهت نما (۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی)/ مولف محسن قرائتی؛ به کوشش سیدمجتبی معنوی؛ [برای] حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی امامت و مهدویت.

مشخصات نشر:قم: موسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:۱۳۹ ص.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۲-۵

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:کتابنامه: ص. ۱۳۹.

موضوع:مهدویت-- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده:معنوی، سیدمجتبی، ۱۳۵۶ -، گردآورنده

شناسه افزوده:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج). مرکز تخصصی امامت و مهدویت

رده بندی کنگره:BP۲۲۴/۴/ق۳۶ج۹ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۷۸۸۵۰

ص:۱

اشاره

جهت نما

(۴۰ پرسش و پاسخ مهدوی)

مؤلف: محسن قرائتی

به کوشش: سیدمجتبی معنوی

جهت نما (۴۰ پرسش وپاسخ مهدوی)

مؤلف: محسن قرائتی

به کوشش: سیدمجتبی معنوی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

نوبت چاپ: اول/ زمستان ۱۳۹۲

شابک: ۵-۱۲-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: دو هزار نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹- ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

- www.mahdi۳۱۳.com

- www.mahdaviat.ir

- info@mahdaviat.ir

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، فاطمه اکبری (ویراستار)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (طراح جلد)، رضا فریدی (صفحه آرا) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

حسین احمدی

کد فایل ۰۹۲۷۹-۴

ص:۲

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

ص:۷

مقدمه

جایگاه امامت همچون نبوت است. به همان دلیلی که به انبیا نیاز داریم، به امامان معصوم هم نیازمندیم. دلیل نیازمندی بشر به رهبر معصوم (چه پیامبر و چه امام) ضعف عقل و علم انسان است. اگر عقل انسان کامل بود، هیچ کس در عمرش بارها پشیمان نمی شد و اگر تشخیص انسان صحیح بود، هیچ طلاقی صورت نمی گرفت. صدها میلیون پشیمانی و طلاق نشان دهنده آن است که عقل و تشخیص انسان کامل نیست و همه چیز را نمی تواند به خوبی تشخیص دهد. عقل انسان مثل ترازوی طلافروشان است که چیزهای جزئی و سبک را می توان با آن وزن کرد ولی در بسیاری از موارد آن ترازوها در سنجش وزن اجسام توانایی لازم را ندارند؛ از این رو کسی می تواند قانون صحیحی وضع کند که گذشته و آینده را بداند. تمام مصالح و مفاسد را بشناسد، تحت تأثیر هیچ فشار و جریان سیاسی، اجتماعی و روانی قرار نگیرد و از بازتاب مثبت و منفی قانون در حال یا آینده آگاه باشد. به عبارت دیگر علم غیب داشته باشد و افزون بر آن نسبت به انسان ها خیرخواه و مهربان باشد؛ هیچ سود و زیانی برای خودش در نظر نگرفته باشد و هیچ قدرتی بر او اثر نگذارد. چنین قانون گذاری فقط خداوند متعال است که بشر را به وسیله رهبر معصوم هدایت می کند. خدای حکیم هرگز انسان

را بدون قانون و رهبر رها نمی کند؛ قرآن می فرماید: (وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قالُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلى بَشَرٍ مِنْ شَيْ ءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتابَ الَّذِي جاءَ بِهِ مُوسى نُوراً وَ هُدىً لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَراطِيسَ تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ كَثِيراً وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لا آباؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ)؛(۱) خداوند را آن گونه که شایسته اوست، نشناختند؛ چرا که گفتند: «خداوند بر هیچ بشری، چیزی نازل نکرده است.» بگو: «کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود، چه کسی نازل کرد؟ کتابی که آن را ورق ورق کرده [و به دلخواه خود] بخشی را آشکار و بسیاری را پنهان می سازید و آنچه را شما و پدرانتان نمی دانستید [از طریق همان کتاب آسمانی تورات،] به شما آموخته شد.» [ای پیامبر!] بگو: «خدا» [بود که آن ها را نازل کرد]، پس ایشان را رها کن تا در گفتار باطل خود سرگرم باشند.

از یک سو فرستادن پیامبران و کتاب های آسمانی، لطفی از سوی خداوند به بندگان است. کسانی که آنان را انکار می کنند، در واقع منکر لطف، رحمت و حکمت الهی اند.

آری! داشتن توحید کامل نیازمند این باور است که خداوند هرگز بشر را به حال خود رها نکرده و برای هدایت آن ها پیامبرانی را فرستاده است.

از سوی دیگر، نبوت زمانی کامل می شود که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پس از خود، یک انسان کامل را رهبر مردم قرار دهد، در غیر این صورت نبوتش

۱- انعام (۶)، ۹۱.

کامـل نیست. معنای (الیوم اکملت لکم دینکم)؛ این است که امروز، با معرفی علی بن ابیطالب علیه السـلام در غـدیر خم، دین کامـل شـد و اگر این معرفی صورت نگیرد، پس از رحلت پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم، تلاش آن حضـرت بـدون نتیجه خواهد ماند: (و ان لم تفعل فما بَلَّغْتَ رسالته).(۱)

از سویی دیگر، امـامت کامـل زمـانی محقق می شود که رهبری امت، آن گونه که شایسـته است، حاصل شود و به همین دلیل لازم است که ظهور حضـرت مهدی علیه السلام مورد توجه قرار گیرد؛ در غیر این صورت برای امامی که به تعبیر خودش خار در چشـم و اسـتخوان در گلـو دارد و حقش را دیگران برده انـد؛(۲) امکـان رهبری وجود نـدارد. ناله های حضـرت علی علیه السـلام در نهـج البلاغه به قدری جانسوز است که گاهی به صورت خود سـیلی می زند و مردم را نفرین نموده و آنان را لاشـه های بی روح و نامردان انسان نما معرفی می کنید؛ آنگاه که می فرماید: «یا اشباه الرجال و لا رجال و یا اشباح بلا ارواح».(۳)

اکنون نقش و جایگاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف با توجه به این جملات بهتر تبیین می شود که اولاً توحیـد کامل به وجود نبوت نیازمنـد است و گرنه قـدر خـدا شـناخته نخواهـد داشت؛ ثانیـاً نبوت کامـل به امـامت مشـروط است وگرنه دین کاملی نخواهیم داشت و ثالثاً امامت کامل به ظهور حضرت مهدی علیه السلام وابسته

۱- مائده، ۶۷.

۲- نهج البلاغه، ص۴۸.

۳- نهج البلاغه، ص ۷۰.

است؛ بنابراین مهدی و ظهور او عصاره همه برنامه ها خواهد بود.

به عبارتی دیگر هسته مرکزی هدایت بشر در طول تاریخ، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اوست که مکتب اصیل اسلام را از غبار بدعت ها و زنگار خرافات، هوس ها و سلیقه ها پاک می کند.

هدایت جامعه با تفسیر درست و متحد کردن مردم زیر پرچم بندگان صالح صورت می گیرد؛ چنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید: (وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ)؛(۱) «و همانا در [کتاب آسمانی] زبور [که] بعد از ذکر، [تورات، نازل شده است] نوشتیم که قطع به یقین بندگان صالح وارث زمین خواهند شد».

در زمره بندگان صالح و نیکوکار هیچ گونه امتیاز و تفاوت قومی، نژادی، منطقه ای و جنسیتی وجود ندارد و هدف از این برنامه، یعنی وراثت زمین و برنامه هدایت و رشد دادن بندگان، از بین بردن طاغوت و عملی کردن وعده های الهی می باشد؛ در نتیجه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که آخرین امام است، همه مردم را تحت شعار «عبادی الصالحون»(۲) به شکلی متحد و هدفمند هدایت می کند و قرآن را از مهجوریت و اهل بیت: را از مظلومیت رهایی می بخشد.

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پدیده حقی است که با قدرت و عزت بر باطل چیره می شود و باطل را نابود می کند: (بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَی الْباطِلِ فَیَدْمَغُهُ

۱- انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

۲- انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

فَإِذا هُوَ زاهِقٌ)؛(۱) «حقّ باطل را آن گونه می کوبد که هسته مرکزی ومغز متفکر آن را در هم شکند پس، بی درنگ، باطل محو و نابود می شود».

شایان ذکر است تحقق وعـده های الهی به معنای مرفه بودن مسلمین و راحت بودن مطلق آنها نیست؛ زیرا با وجود غلبه حق بر باطل و یاری ویژه ای که خداوند نسبت به پیامبرانش دارد، باز هم مسلمانان گرفتاری ها، تلخی ها، شکنجه ها، محدودیت ها و تهمت ها را تحمل نمودند؛ بنابراین نباید تصور شود ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای رسیدن به حکومت دینی، بدون رنج است؛ همان گونه که هیچ مادری امید به فرزند دار شدن را بدون درد زایمان تصور نمی کند. آری! امید به فرزند و فرزند دار شدن، قطعی و منطقی است؛ ولی همراه با درد زایمان. امید به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قطعی و خوشایند است؛ ولی با آمادگی ویژه و مشکلاتی که باید خود را برای آن آماده کرد. چنانچه حضرت موسی بر فرعون پیروز شد؛ ولی باز هم مشکلات زیادی را پیش رو داشت.

در فتح مکه، خداوند متعال بنده و رسول خود را یاری کرد: «انجز وعده و نصر عبده»؛(۲) اما این پیروزی نیز بدون مشکلات نبود.

اگر خداوند متعال هستی را برای بشر بیافریند و بشر را برای قرب و عبادت خودش خلق کند ولی دست او را در دست غیر معصوم بگذارد، ظلم به بشر و همه مخلوقات کرده است و این کاری خلاف حکمت است که بدون

۱- انبیاء (۲۱)، ۱۸.

۲- اعلام الوری با علام الهدی، ص۱۱۱.

شک از خـدای حکیم، کار بیهوده و نعوذ بالله ظلم و سـتم سـر نمی زنـد. کـدام حکیم و کدام عقل سـلیمی اجازه می دهد که تمـام همت نظـام آمـوزش و پرورش، تحصـیل فرزنـدان مـا باشـد؛ ولی در عمـل، دست فرزنـدانمان در دست معلم نااهـل قرار گیرد؟!

بـدیهی است واگذارنمودن هدایت جامعه به انسان غیر معصوم ظلم به بشـر و بر خلاف حکمت، عقلانیت و خرد ورزی است. در این میـان طبیعی است که برای رهپویـان حقیقت و جسـتجو گران راه هـدایت در جهت شـناخت امـام زمـان سؤالاتی مطرح گردد که در این مجموعه تلاش خواهد شد به تعدادی از آنها پاسخ داده شود.

ص:۱۴

۱. اعتقاد به موعود در ادیان چگونه مطرح شده است؟

در کتـاب هـای مهم اعتقادی و حتی در کتاب های مـذاهب غیر اسـلامی، از جمله منابع آئین بودا و یهود، این نکته بیان شـده است که در آینده باید نجات دهنده ای دنیا را نجات دهد. آری؛ دنیا مریض است. آیا می توانیم با اطمینان بگوییم که اگر در جامعه ای تحصیلات اگر رشـد می کنـد، کمالات این هم پیشـرفت خواهد کرد؟ در پاسخ باید گفت بدون شک رشد علمی جامعه نشانگر کمال انسانی آن نخواهد بود.

دنیا در جهل و تاریکی می سوزد. همه دین ها معتقدنـد بایـد نجات دهنـده ای برای گسترش عـدالت بیایـد. به همین جهت در زیـارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف این گونه می گوییم: «السَّلَامُ عَلَی مَهْدِیِّ الْأُمَم»؛(۱) «سـلام بر تو ای امامی که هدایتگر همه امت ها هستی»؛ نه فقط مسـلمان ها بلکه همه امت ها؛ البته در ادیان مختلف نامی از آن حضرت برده نشده است؛ ولی همه آن ها می گویند: باید نجات دهنده ای ظهور کند و برای نجات انسان ها قیام نماید.

درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حتی قبل از تولد او کتاب های زیادی نوشته شده و

۱- بحارالانوار، ج۹۹، ص۱۰۱.

مسأله ولادت و امامت او در آنها مطرح شده است.

ص:۱۶

۲. چرا امام زمان غایب شد؟

این مسأله را با یک مثال توضیح می دهم: اگر مسئولان اداره برق در منطقه ای لامپی را نصب کردند؛ ولی مردم آن را شکستند و مسؤولان لامپ دوم و سوم تا یازدهم را نصب کنند؛ ولی باز هم مردم تمام یازده لامپ را در چند مرحله بشکنند؛ این کار آن ها نشان می دهد که قدر نور را نمی دانند؛ بنابراین باید با سعی و تلاش خود نوری کم؛ ولی با هزینه ای سنگین تهیه کنند تا شاید ارزش واقعی برق پی ببرند. ماجرای امام زمان نیز هم این گونه است. خداوند برای مردم یازده چراغ هدایت و امام معصوم معین کرد و احادیث فراوان از زبان مبارک پیامبر، نام و مشخصات آن ها را بیان نمود؛ ولی تمام یازده امام را یا با زهر یا با شمشیر به شهادت رساندند. خداوند نیز دوازدهمین چراغ هدایت را در پس پرده غیب نگاه داشت تا زمانی که جامعه، انواع حکومت ها را تجربه کند و به این باور برسد که هیچ گروهی با شعارها و انواع سیاست های گوناگون، توان ایجاد و گسترش عدالت واقعی را ندارد و در نتیجه مردم آن چنان به ستوه آیند که تشنه واقعی برقراری عدالت و عاشق مردی الهی بشوند تا با رهبری او، همه باطل ها و مستکبرین از بین بروند و بندگان صالح خدا به قدرت برسند. آری؛ درک حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و گسترش عدالت نیازمند زمینه سازی است.

ص:۱۷

۳. چگونه ممکن است انسانی مانند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف عمر چند صدساله و یا چند هزار ساله داشـته باشد؟

در پاسخ می توان گفت عمر مثل حرکت است. حرکت هم رونـد تنـد و هم رونـد کنـد دارد. حرکت کنـد مثل حرکت رشـد موی بـدن، که در یـک مـاه حـدود یک سانتی متر حرکت می کنـد. ممکن است حرکت نکنـد، مثل موی مژه و ابرو که ده ها سال بـدون حرکت و در واقع بـدون رشـد باقی می ماند. گاهی نیز حرکت به قدری تند است که نمی توان آن را اندازه گیری کرد و یا مثل حرکت نور بسیار سریع است، وی می دانیم که هیچ دلیل علمی و عقلی برای محدود کردن حرکت وجود ندارد.

در بعضـی از منابع، کتاب های تاریخی و حتی آیات و روایات از عمرهای طولانی خبر می دهنـد. قرآن می فرماید: «حضـرت نوح علیه السـلام ۹۵۰ سال به تبلیغ مشـغول بود.»(۱)در آیه۲۵۹، سوره بقره نیز آمـده است که یکی از اولیـای خـدا، معروف به حضـرت عزیر، در حالی که سوار الاغی بود، از روسـتای ویرانه ای، عبور می کرد. از خدا پرسـید که چگونه صاحبان این خانه ها که سال هاست

۱- عنکبوت (۲۹)، ۱۴.

مرده اند، دوباره زنده خواهند شد: «أنی یحیی هذه الله بعد موتها؟!» خداوند متعال برای آن که مسأله را به صورت تجربی برای او روشن کند، او را صد سال میراند: «فأماته الله مأه عام» سپس او را زنده کرد: «ثم بعثه» و از او پرسید: «چه مدت است که در این جا هستی؟»: «قال کم لبثت»؟گفت: «روزی یا بخشی از روزی»: «قال لبثت یوماً او بعض یوم.» خداوند متعال فرمود: «نه؛ تو صد سال است که مرده ای»: «قال بل لبثت مأه عام» اکنون به الاغت نگاه کن که چگونه استخوان های او را سر پا می کنیم و نیز به غذا و نوشیدنی خود بنگر که هیچ تغییر نکرده است!» غذا اگر در جایی مثل یخچال و سردخانه نباشد، پس از یک هفته تغییر می کند. صد سال چند هفته است؟ وقتی یک سال ۵۲ هفته است، پس صد سال ۵۲۰۰ هفته می شود؛ بنابراین، خداوند متعال غذای این بنده را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی سالم نگه داشت، در حالی که عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آغاز تولد تاکنون، حتی بیش از بیست برابر عمر طبیعی نبوده است. خداوند متعال با این آیه قدرت خود را نشان می دهد که ما می توانیم صدها و هزارها برابر عمر طبیعی چیزی را نگه داریم. این معجزه می تواند درباره عمر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف هم اتفاق بیفتد.

همچنین از این آیه اهمیت علم تجربی فهمیده می شود؛ بر این اساس که علم تجربی به قدری ارزش دارد که یک پیامبر، باید صد سال بمیرد تا چیزی را با حس درک کند. همچنین از این آیه استفاده می شود که زنده

شدن مرده مخصوص قیامت نیست؛ بلکه در همین دنیا نمونه هایی از زنده شدن بعضی مردگان وجود دارد که به اصطلاح آن را «رجعت» می گویند. مردگانی که با معجزه حضرت عیسی علیه السلام زنده شدند، از این نمونه اند و نیز مرده ای که در آیه مورد بحث به آن اشاره شد.

همچنین از این آیه استفاده می شود که اگر ریشه سؤال عناد و لجاجت نباشد، می تواند گامی به سمت رشد و تکامل انسان باشد.

از نمونه های دیگر قرآنی

طولانی بودن عمر انسان در داستان حضرت یونس در سوره صافات آیات ۱۳۹ تا ۱۴۴ است. در مضمون این آیات می خوانیم که همانا یونس از فرستادگان است. آن گاه که از قوم خود فرار کرد و به سوی کشتی پر از بار و مسافر شتافت. ناگهان کشتی به خطر افتاد و قرار بر این شد تا بر اساس قرعه، افرادی به دریا افکنده شوند. پس، یونس با مسافران کشتی قرعه انداخت و از بازندگان شد و او را به دریا افکندند و در این حال ماهی بزرگی او را بلعید. او خود را سرزنش کرد و در شکم ماهی به تسبیح خداوند پرداخت و اگر از تسبیح گویان نبود، تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند (للبث فی بطنه الی یوم یبعثون.)از این آیه معلوم می شود که زنده ماندن تا روز قیامت امکان دارد.

همچنین درباره عمر طولانی می توان به این نمونه قرآنی اشاره کرد که ابلیس از خداوند متعال خواست تا روز قیامت به او مهلت بدهد: (قَالَ رَبِّ

فَأَنظِرْنِی إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ)(۱) خداونـد متعـال او را تـا زمـان بسـیار طولانـی عمر داد: (قـال فإنـک من المنظرین الی یـوم الوقت المعلوم).(۲)

۱- ص (۳۸)،۷۹.

۲- ص (۳۸) ۸۰ و ۸۱.

۴. برنامه حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

قرآن سیمای آینده جهان را «حاکمیت صالحان» می داند: (أن الارض یرثها عبادی الصالحون).(۱)

در آیات دیگر نیز افراد صالح را با وصف متقین معرفی می کند: (و العاقبه للمتقین).(۲)

در آیه دیگر، وعده خلافت را به کسانی داده که اهل ایمان و عمل صالح هستند: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الْأَرْضِ).(۳)

از مجموع این آیات استفاده می شود که مدیریت آینده جهان مربوط به کسانی است که پرهیزکار، اهل ایمان و عمل صالح باشند. البته معنای ایمان، عمل صالح و تقوا روشن است؛ اما صلاحیت برای مدیریت زمین که خداوند در آیه (یرثها عبادی الصالحون) از آن سخن می گوید؛ شاید نیازمند توضیح باشد و آن این است که چه نوع صلاحیتی شرط حاکمیت است؟

ص:۲۲

۱- انبیاء (۲)، ۱۰۵.

۲- اعراف(۷)، ۱۲۸.

۳- نور(۲۴)، ۵۵.

صلاحیت روحی، سعه صدر، صلاحیت علمی، فکری، فرهنگی، بصیرتی، تدبیر، خلاقیت، صلاحیت مقاومت، صلابت، شجاعت، صلاحیت برنامه ریزی و پیش بینی های لازم، صلاحیت سابقه، خانواده و یاران و هر نوع صلاحیت دیگر را حاکم الهی برای میلیاردها انسان لازم دارد.

در قرآن می خوانیم: (أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ)(۱)؛ «حاکمان زمین بندگان صالح خداوند متعال هستند» و همه امت باید در طول تاریخ بر آن ها سلام کنند: «اَلسّلامُ عَلَینا وَ عَلی عِبادِاللّه الصّالِحین» و ما با این سلام، با حاکمان الهی آینده، پیوند برقرار می کنیم. افراد زیادی هستند که در عبادت های فردی، کمالات و امتیازات بالایی دارند ولی در مدیریت اجتماعی صلاحیت رهبری ندارند؛ مثلاً ابوذر یکی از یاران با وفای پیامبر و امیر المؤمنین علیه السلام بود که رسول خدا درباره وی ابوذر فرمود: «درختی بر انسانی راستگوتر از ابی ذر سایه نیفکنده است.»(۲)

قَالَ علیه السلام : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَقُولُ: «مَا أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ... ذَا لَهْجَهٍ أَصْدَقَ مِنْ أَبِی ذَرٍّ الْغِفَارِیِّ».

همین ابوذر با برخورد انقلابی و صراحت لهجه، پایه های حکومت عثمان و معاویه را لرزاند. تا آن جا که این صحابی کبیر را به ربذه تبعید کردند و در همان جا غریبانه کنار دخترش جان داد؛ اما پیامبر خطاب به او

۱- انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

۲- بحارالانوار، ج۱، ص۱۲۱.

فرمود: «یَا بَا ذَرٍّ إِنِّی أَحِبُّ لَکَ مَا أَحِبُّ لِنَفْسِی. إِنِّی أَرَاکَ ضَعِیفاً فَلَا تَأَمَّرَنَّ عَلَی اثْنَیْنِ وَ لَا تَوَلَّیَنَّ مَالَ یَتِیم.»(۱) «ای اباذر! من هرچه برای خودم می خواهم برای تو هم می خواهم و تو را دوست دارم؛ لکن در تو ضعفی است که نباید مسئولیت دو نفر را بپذیری و مال یتیم را نباید متولی شوی.»

یک خاطره

پس از رحلت یکی از مراجع بزرگ تقلید سخن از این بود که مرجع بعدی چه کسی باشد. در انتخاب مرجعیت بیش تر به مسأله اعلم بودن و پرهیزکارتر بودن توجه می شد. در همان ایام بنده در برنامه درس هایی از قرآن گفتم که مسأله علم و تقوا و زهد و کمالات، همه مورد قبول است؛ ولی در قرآن آیاتی وجود دارد که سزاوار است در انتخاب مرجعیت به آن آیات نیز (غیر از علم و تقوا) توجه بشود؛ مثلاً در آیه (ترهبون به عدو الله)(۲) قرآن سفارش می کند باید چنان دشمن خدا را بترسانید که آن ها جرأت سلطه، نفوذ، دخالت، تهدید و تهاجم به شما را نداشته باشند. همچنین قرآن می فرماید: (لیغیظ بهم الکفار)(۳) جامعه اسلامی باید از چنان

۱- امالی، ص۳۸۴.

۲- انفال(۸)، ۶۰.

۳- فتح(۴۸)، ۲۹.

پیشرفت و صلابتی برخوردار باشد که کفار به شدت از آن عصبانی شوند: و در جمله دیگر می خوانیم: (اشداء علی الکفار رحماء بینهم)(۱) یعنی باید امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آن گونه باشند که نسبت به کفار باصلابت و نفوذناپذیر و نسبت به اهل ایمان رحیم و مهربان باشند. بر این اساس برای مرجعیت فقط اعلم بودن و پرهیزکارتر بودن کافی نیست.

با توجه به این آیات، بعضی افراد اگرچه از نظر علمی و تقوا چگونه بسیار بالایی داشته باشند؛ اما اگر مرجع بشوند به خاطر برخی خصلت ها، ضعف ها، سلیقه ها یا برداشت ها، به صلابت، وحدت و قدرت امت خدشه وارد می کنند؛ بنابر این در انتخاب مرجع باید به این آیات نیز توجه شود.

امام عسکری علیه السلام فرمود: «أَلَا إِنَّ الْفَقِيهَ مَنْ... أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِم»؛(۲) برای فقیه تنها قدرت اجتهاد کافی نیست، بلکه صفات دیگری لازم است تا بتواند امت و جامعه را از شر دشمنان نجات دهد.

بنابراین بندگان صالحی که حاکمیت کره زمین را در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دست خواهند گرفت باید افرادی ویژه با خصوصیت های ممتاز باشند.

همان گونه که در مرجعیت باید به همه ابعاد توجه داشت، درباره بندگان صالحی که حاکمیت زمین را در زمان ظهور بر عهده می گیرند، نیز باید با نگاه جامعی مسأله را بررسی کرد. چنانچه در حدیث آمده است: «قلب یاران

۱- فتح(۴۸)، ۲۹.

۲- بحارالانوار، ج۲، ص۵.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مثل پاره بزرگ آهن است «إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبَرِ الْحَدِید».(۱) این نکته می رساند که استقامت، اعتقاد به امام، اعتقاد به مسیر، و شکیبایی در برابر سختی ها و مجاهدت های پیوسته از صفات یاران حضرت مهدی علیه السلام و منتظران واقعی ایشان است.

ص:۲۶

۱- بحارالانوار، ج۵۱، ص۳۵.

۵. در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام حاکم اسلامی از کدام گروه مسلمین خواهد بود؟

با توجه به قرآن می توانیم ثابت کنیم که حاکمان آینده از کدام گروه خواهند بود. تنها کافی است دو کلمه از دو آیه را کنار هم بگذاریم! ابتدا آیه ای که: خداوند در غدیر خم پس از نصب امیر المؤمنین علیه السلام نازل کرد و در آن فرمود: «الیوم... و رضیت لکم الاسلام دیناً».(۱) امروز من از دین شما راضی هستم.

بنابر آیه دیگری از قرآن دینی حاکم خواهد شد که مورد رضای خداوند متعال باشد و ما نیز دین مورد رضای خدا را دین غدیر خم می دانیم؛ زیرا با صراحت بیان شده است که من از این دین امروز شما راضی هستم. (و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم)(۲) با توجه به این که خداوند از سویی فرمود امروز از شما راضی شدم و از سوی دیگر دینی گسترش می یابد که مورد رضای خدا باشد؛ از وجه مشترک این دو نکته که همان رضایت الهی است، می توان فهمید که دین جهان شمول همان دینی است که در غدیر خم رقم خورد.

۱- مائده (۵)، ۳.

۲- نور (۲۴)، ۵۵.

در فهم هر آیه و حدیثی می توان از آیات و روایات دیگر یاری طلبید.

برای نمونه حدیثی وجود دارد که همه فرقه های اسلامی آن را نقل کرده اند. بنابراین حدیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: یهود ۷۱ فرقه و مسیحیت ۷۲ فرقه شدند و مسلمان ها ۷۳ فرقه می شوند (البته شاید منظور از کلمه هفتاد، کثرت و تعداد زیاد باشد. سپس فرمود: « فرقه ناجیه» در میان همه فرقه های مسلمان یک گروه اهل نجات اند.(۱) طبیعی است که هر گروهی خود را اهل نجات می داند. در این جا بهتر است از خود پیامبر بپرسیم «آن فرقه ای که اهل نجات هستند کدامند» مثل پدری که می گوید: یکی از فرزندانم را دوست دارم و هر فرزندی می گوید که من، فرزند مورد نظر پدرم هستم، در این جا حرف آخر را باید پدر بزند. در این جا هم باید از خود پیامبر بپرسیم که گروه اهل نجات کدام یک از فرقه هاست و پیامبر در پاسخ می فرمایند: « مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجی »(۲) یعنی اهل نجات کسانی هستند که دنبال اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بروند. بر این اساس در مورد فرقه ناجیه جای شبهه ای باقی نمی ماند.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۶۲.

۲- امالی، ص۶۰.

۶. با توجه به این که بخشی از شرایط ظهور در حال حاضر محقق نشده است، چگونه می توان همچنان منتظر بود؟

اولاً انسان خود می تواند شرایط را ایجاد کند تا حالت انتظار به طور طبیعی نیز پیش بیاید؛ مثلاً اگر پدری گفت: «من زمانی برای پسرم خانه می خرم که داماد شود، این ما هستیم که او را امروز داماد کنیم یا ده ها سال بعد». شرایط را می توان مهیا کرد.

ثانیاً چنانچه در روایت آمده است، ممکن است شرایط لازم در یک شب ایجاد شود «یصلح الله له فی لیله...»؛(۱) خداوند متعال امر ظهور را یک شبه اصلاح می فرماید؛ مثلاً کارگری که در مؤسسه ای کار می کند و سال ها از خود ضعف و کم کاری نشان می دهد؛ ولی وقتی وارد منزل کارفرما می شود و می بیند فرزند خردسال کارفرما در حال غرق شدن در حوض است؛ در یک لحظه وارد آب می شود و کودک را نجات می دهد. این کار او تمام گله های بیست ساله کارفرما را از بین می برد. امت نیز می تواند با تحولی درونی و تصمیم صحیح، یک شبه مسیر خود را تغییر دهد، چه در جنبه مثبت و چه در مسیر منفی؛ چه راه حق و چه راه باطل. مثلاً در مورد

۱- الغیبه، ص۱۶۳.

کـارگری که گفته شـد، اگر کـارگر دیگری بیست سال به کار فرما خوش خـدمتی کنـد؛ اما در یک لحظه وارد منزل کارفرما شود و فرزند او را بکشد؛ این عمل تمام خدمات بیست ساله او را از بین می برد.

در این بـاره می توان به نمونه دیگری اشاره کرد. اگر حضـرت موسـی علیه السـلام می خواست تک تک ساحران را پیـدا و با آنان گفت وگو کنـد، بایـد سال های زیادی تلاش می کرد تا بتوانـد یکایک آنان را هدایت کند؛ ولی فرعون با قدرت خود، همه آن هـا را در پـایتخت حاضـر کرد و سـاحران هم پس از دیـدن معجزه موسـی علیه السـلام در یـک لحظه، یکسـره، ایمان آوردند؛ بنابراین، همان گونه که خداوند کار موسـی را در یک لحظه اصـلاح کرد، کار حضـرت مهدی علیه السلام را نیز می تواند در یک لحظه اصلاح کند.

و یا اینکه ما در زمان خود نمونه ازدواج هایی را داریم که در آن گفتن، انتخاب، مراسم مختلف عقـد و عروسـی، همگی یک شبه تمام می شود و در مقابل ازدواج هایی وجود دارد که برای انتخاب چند سال، خواسـتگاری چند ماه، گفت وگو چند هفته و برای تعیین مراسم و تهیه سالن تا مراسم عروسی مدت های زیادی طول خواهد کشید.

نمونه دیگر این که شخصـی به شـهر مـدینه وارد شـد، وقتی شـهر را خلوت دید؛ درباره آن از مردم سؤال کرد. به او گفتند که مردم برای جنگ احد از مدینه خارج شده اند. به محض اینکه از ماجرای جنگ آگاه شد، گوسـفندانش رها کرد و خود را به احد رسانید؛ با پیامبر ملاقات کرد و به حقانیت اسلام پی برد. به جبهه رفت و به شهادت رسید در فاصله زمانی پس از طلوع

آفتاب که وارد شهر شد تا قبل از ظهر، مسیر تحقیق، تسلیم و شهادت را طی کرد و حتی دو رکعت نماز هم نخواند. حضرت درباره او فرمود: «دخل الجنه و لم یصل رکعه»؛(۱) «داخل بهشت شد، در حالی که حتی یک رکعت نماز هم نخواند».

افرادی هستند که تمام عمر خدمت می کنند؛ ولی قرآن درباره آنان می فرماید: (عِامِله ناصِبَه تَصْلی ناراً حامِیه)؛(۲) یعنی افرادی که اهل کار بودند و پرتلاش؛ ولی عاقبت به دوزخ وارد می شوند؛ زیرا یا در ابتدا کارشان با اخلاص نبوده یا در آغاز بااخلاص شروع کردند؛ اما در نیمه کار گرفتار عجب و غرور شدند. یا مرحله اول و وسط را سالم طی می کنند؛ ولی پس از عمل، اجر کار خود را از بین می برند. بنابراین بزرگان اخلاق می گویند: «پیدایش اخلاص مشکل نیست، ادامه اخلاص مشکل است.»

بنابراین در قرآن کریم انجام دادن کار نیک مهم نیست؛ بلکه آوردن کار نیک به صحنه قیامت مهم است: (مَن جَاء بِالْحَسَنَهِ)(۳)؛ یعنی «کسی که کار نیک را تا قیامت با خود بیاورد»؛ و نفرمود: «مَنْ عَمِلَ بِالْحَسَنَه»؛ یعنی کسی که عمل نیکی انجام داد؛ زیرا بسیاری از افراد کارهای نیکی انجام می دهند؛ ولی عمل نیک آن ها به قیامت نمی رسد.

۱- تفسیر خواطر محمد متولی الشعراوی، ص۲۶، ذیل آیه ۱۰۵ نساء.

۲- غاشیه(۸۸)، ۴ و ۳.

۳- انعام(۶)، ۱۶۰.

نمونه مناسب آن عبادت های ابلیس است. حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «او سابقه شش هزار سال عبادت داشت.» سپس ادامه می دهد: «معلوم نیست این سال ها، سال های دنیوی است یا اخروی»؛ اگر ببینیم که یک روز آخرت معادل پنجاه هزار سال دنیاست، آن وقت مقدار عبادت های ابلیس معلوم می شود:

«وَ کانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّهَ آلَافِ سَنَهٍ لَا یُدْرَی أَمِنْ سِنِی الدُّنْیَا أَمْ مِنْ سِنِی الْآخِرَهِ عَنْ کبْرِ سَاعَهٍ وَاحِدَهٍ».(۱)

کوتاه سخن آن که هیچ کس نمی تواند با محاسبات، خیالات و پیش بینی های خود قاطعانه سخنی بگوید و به آینده خود مطمئن باشد. ممکن است تخت بی دست و پای بلقیس در یک چشم به هم زدن از منطقه ای به منطقه ای منتقل شود و انسان های با دست و پا چنان زمین گیر شوند که سال ها از بستر تکان نخورند: (أنا آتیک به قبل ان یرتد الیک طرفک).(۲)

خداوند متعال نوزاد بی دست و پا را (حضرت موسی علیه السلام)، در دریا حفظ می کند و فرعون با دست و پا را غرق می فرماید.

پرورگار توانا این قدرت را دارد که پیامبری مانند حضرت نوح را روی آب حفظ کند و پیامبر دیگری مثل یونس را در زیر آب محافظت نماید و از حضرت یوسف علیه السلام در چاه، کنار آب، نگه داری کند.

۱- نهج البلاغه، ص۲۸۷.
۲- نمل (۲۷)، ۴۰.

او دارای چنان قـدرتی است که از درختان کوچک میوه های فراوان به وجود می آورد و در کنار آن درختان بزرگی که هیچ میوه ای ندارند، برمی افرازد.

همه این نمونه ها برای این گفته شـد که چه بسا مقـدمه ظهور حضـرت مهدی علیه السـلام با داشـتن آن همه علایم و شـرایط، ممکن است یک شبه فراهم شود.

ص:۳۳

۷. آیا این مطلب درست است که اگر دنیا پر از ظلم شود؛ امام زمان زودتر ظهور می کند؟

در حدیث نیامده است که دنیا پر از ظالم شود؛ بلکه فرموده اند: دنیا پر از ظلم شود. دقت در این باره نشان می دهد که این گونه روایات به توصیف جامعه در عصر غیبت می پردازد و به هیچ وجه بر وقوع ظلم و ستم توصیه و یا تأکید نمی کند؛ چون بین پر از ظلم شدن و پر از ظالم شدن تفاوت وجود دارد. برای مثال اگر بگویند وقتی در سالن را باز می کنیم که پر از دود شود، این به آن معنا نیست که همه مردم سیگاری شوند تا سالن پر از دود شود. شاید افراد زیادی که اهل سیگار نیستند، در سالن وجود داشته باشند؛ ولی فردی نا اهل، با آوردن کنده ای درخت سوخته، سالن را پر از دود کند. این جمله غیر از آن است که بگوییم وقتی در سالن را باز می کنیم که تمام مردم اهل سیگار باشند؛ پس، معنای جمله سالن پر از دود شود با سالن پر از افراد سیگاری شود، یکی نیست.

زمان ظهور، افرادی که از هر جهت صالحند، بسیار زیاد هستند؛ ولی به وسیله چند جنایتکار همه دنیا می تواند پر از ظلم شود؛ همان طور که یک نفر می تواند با آوردن کنده ای درخت سوخته، سالن را پر از دود کند. یک یاغی

متجاوز می تواند چند منطقه را به آتش بکشد، با آن که در هر منطقه افراد صالحی هم وجود داشته باشد.

ص:۳۵

۸. حضور و آمادگی چه تعدادی از یاران امام زمان علیه السلام برای قیام وی کفایت می کند؟

هم یاران واقعی حضرت کم هستند و هم اینکه برای پذیرش و قبل از آن برای قیام امام باید آمادگی عمومی پیدا بشود. در قرآن می خوانیم پس از حضرت موسی ستمگری پیدا شد که مردم را از خانه، سرزمین و فرزندانشان جدا می کرد. مردم مظلوم نزد پیامبرشان رفتند و از او تقاضا کردند برایشان یک فرمانده نظامی تعیین کند تا در برابر آن ستمگر بایستند. پیامبرشان فرمود: «احتمال نمی دهید که اگر جهاد بر شما مقرر شد، جهاد نکنید؟!» گفتند: «هرگز!»؛ ولی همین که به آن ها دستور جنگ داده شد، جز تعدادی کمی، همه سرپیچی کردند. خداوند متعال به این گروه که اظهار آمادگی و جانفشانی کردند؛ ولی در عمل سرپیچی نمودند، لقب «ظالم» نهاد و فرمود: «و الله علیم بالظالمین»(۱). در این امتحان مکتبی، بیش تر افراد مردود شدند؛ حتّی اقلیتی که جهاد را پذیرفتند، در رهبری فرمانده تردید کردند؛ یعنی همین که پیامبرشان فرد لایقی (طالوت) را از سوی خداوند متعال برای فرماندهی تعیین کرد،

۱- بقره (۲)، ۹۵.

گفتند: «چون ثروت ما بیش تر است، خود ما به فرماندهی سزاوارتریم. جمعی با این که نشانه های لیاقت طالوت را دیدند سرپیچی کردند. این نیز امتحان برخی دیگر و به نوعی امتحان دوم بود.

گروه دیگری که در ظاهر وفادار بودند، به سوی جبهه حرکت کردند. رهبرشان فرمود: در طول مسیر، خداوند متعال شما را به نهر آبی آزمایش می کند. سعی کنید از آن ننوشید! هر که از آن بنوشد از ما نیست البته اجازه دارید که با دست لبی تر کنید؛ اما خود را سیراب نکنید.» این گروه وفادار نیز، همین که به آب رسیدند، نتوانستند خود را حفظ کنند و کاملاً خود را سیراب کردند (این امتحان سوم بود). در این امتحان نیز گروهی مردود شدند.

کسانی که فرمان جهاد را پذیرفتند،رهبری طالوت را هم پذیرفتند و از مسئله شکم هم گذشتند؛ اما همین که در مقابل دشمن قرار گرفتند، گفتند: «ما حریف دشمن نیستیم، و این شعار را سر دادند که (لَا طَاقَةَ لَنَا الْیَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنودِهِ)(۱) (این امتحان چهارم). در این میان تعداد کمی باقی ماندند که آن ها نیز این شعار را سر دادند: (کم مِّن فِئَهٍ قَلِیلَهٍ غَلَبَتْ فِئَهً کثِیرَهً بِإِذْنِ اللّهِ)(۲).

کوتاه سخن آن که هر کس در ظاهر ادعای انتظار و اعلام وفاداری می کند؛ امّا باید مراحل مختلف امتحان را سپری کرد تا معلوم گردد که،

۱- بقره (۲)، ۲۴۹.

۲- بقره (۲)، ۲۴۹.

افراد صادق چند نفر هستند؛ نه تنها در عرصه جهاد بلکه در سایر عرصه ها نیز چنین است.

در حدیث می خوانیم که حضرت فرمود: «ما اَکثَرَ الضَّجیج وَ اَقَلَّ الْحَجیج»؛(۱) «چه بسیارند کسانی که در مکه ظاهر مناسک را انجام می دهند و اهل ناله و انابه هم هستند؛ ولی حاجیان واقعی بسیار اندکند؛ افزون بر احکام، در نبوت نیز مسأله چنین است. قبل از بعثت افرادی منتظر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بودند و چون می دانستند که شهر مدینه محل هجرت پیامبر قرار خواهد گرفت، سال ها قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن جا ساکن شدند و ضمن تجارت منتظر ظهور پیامبر بودند؛ ولی بعد از ظهور، با این که نشانه های پیامبری را با آنچه در تورات آمده بود موافق یافتند، کفر ورزیدند: (فَلَمَّا جَاءَهُم مَّا عَرَفُواْ کفَرُواْ بِهِ).(۲)

بر اساس این ماجرا نباید به هر استقبالی تکیه کرد و نباید به هر دانستنی ای امیدوار بود. آنان با این که پیامبر را مثل فرزندانشان می شناختند؛ با همان علم و آگاهی روحیه تسلیم نداشتند و در واقع نباید به هر اظهار عشق و انتظاری مغرور شد؛ زیرا ممکن است در مرحله عمل، حالت های انسان تغییر یابد. هستند کسانی که در دعای ندبه اشک می ریزند و اظهار انتظار می کنند؛ ولی از درآمدهای خود سهم امام زمان علیه السلام را نمی دهند. اهل

ص:۳۸

۱- بحار الانوار، ج۲۴، ص۱۲۳.

۲- بقره (۲)، ۸۹.

کوفه هزاران نامه برای دعوت و یاری امام حسین علیه السلام نوشتند؛ اما ایشان را در کربلا تنها گذاشتند.

حتی درباره توحید نیز چنین است. قرآن در این باره می فرماید: (فَإِذا رَکِبُوا فِی الْفُلْکِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَی الْبَرِّ إِذا هُمْ یُشْرِکُونَ)؛(۱)همین که افراد در دریا، کشتی خود را در ورطه هلاک می بینند، خدا را با اخلاص می خوانند؛ ولی همین که به ساحل رسیدند همه چیز را فراموش می کنند.

در مسائل خانوادگی نیز همین گونه است. قرآن می فرماید: همین که زن حامله می شود، زن و شوهر ضمن درخواست از پروردگارشان با خداوند عهد می کنند که اگر فرزند شایسته ای به ما بدهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود: (لَئِنْ ءَاتَیْتَنَا صَالِحًا لَّنَکُونَنَّ مِنَ الشَّاکِرِینَ)؛(۲) ولی همین که خداوند متعال به آنان فرزند صالحی داد، پدر و مادر، برای خداوند متعال شریکانی قرار می دهند: (فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحاً جَعَلاَ لَهُ شُرَکاء فِیمَا آتَاهُمَا).(۳)

آری، انسان چه زود وعده های خود را با خداوند متعال فراموش می کند!

کوتاه سخن این که فقط ایمان اصیل زمینه ساز ظهور است و ایمان های موضعی، موسمی، گزینشی، منهای عمل، ریزشی، موجی و ایمان ضعیف،

ص:۳۹

۱- عنکبوت (۲۹)، ۶۵.

۲- اعراف(۷)، ۱۸۹.

۳- اعراف(۷)، ۱۹۰.

بدون منطق و کارآمد و سودمند نخواهد بود.

برای نمونه در غدیر خم، یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المؤمنین تبریک گفتند؛ امّا پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حقش را ربودند؛ بعضی دیگر بیعت را شکستند و جنگ جمل را به راه انداختند.

برای آزمایش خود، هرکسی به خود مراجعه کند و بنگرد که در عمر خود چند بار قول داده و وفا نکرده، توبه کرده توبه شکسته، وعده داده و تخلف کرده است. همه این موارد دلیل بر عدم استقرار ایمان در فرد است.

در قرآن کریم در آیات ۷۵ تا ۷۹ سوره توبه می خوانیم شخصی از پیغمبر درخواست دعا کرد تا ثروتمند شود. حضرت فرمود: «مال اندکی که شکرش را ادا کنی بهتر از مال زیادی است که نتوانی شکرش را به جای آوری.» او قول داد که تمام حقوق واجب مال را بدهد؛ ولی همین که ثروتمند شد، اول از نماز جماعت فاصله گرفت؛ سپس از نماز جمعه و در مرحله بالاتر، منکر زکات شد و به دلیل همین خلف وعده ها، نفاق عمیق برای همیشه در قلب او ماندگار شد و به طور طبیعی این روند می تواند نسبت به دیگران هم صورت بگیرد.

با این که قرآن مزد رسالت را «مَوَدَت فِی القُرْبی» می داند: (قُلْ لا اَسْئَلُکُمْ عَلَیهِ اَجراً اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی)؛(۱) ولی صدها میلیون مسلمان داریم که حتی نام اهل بیت را نمی دانند و از این نکته نیز بگذریم که چقدر

۱- شوری (۴۲)، ۲۳.

از اهل بیت نسل و یاران آنان کشته، تبعید، اسیر و تحقیر شدند: «فَقُتِلَ مَنْ قُتِلْ، و سُبی مَنْ سُبی، وَ اُقْصی مَنْ اُقْصِی».(۱)

آنچه گفته شد، گوشه ای از نمونه های قرآنی بود و بی تردید اگر بخواهیم از روایات و تاریخ بخش های دیگری را بیان کنیم، کتاب قطوری به نام «نامردی های انسان» نوشته خواهد شد! به هر حال قرآن فقط به افراد خاصی می فرماید: این ها راستگویانند (اولئک هم الصادقون)؛(۲) و این نکته بدان اشاره دارد که بسیاری از افراد دروغ می گویند.

بارها به بعضی از امامان معصوم پیشنهاد قیام می دادند؛ حتی می گفتند: شما در فلان منطقه صدهزار یاور دارید؛ ولی امام با نگاه عمیق خواسته آن ها را نمی پذیرفت؛(۳) زیرا می دانست که ایمان آن ها ظاهری است؛ نه اصولی و ریشه ای.

قرآن ایمان تنها را کافی نمی داند؛ بلکه ایمان طولانی و همراه با استقامت ارزشمند است: (قالُوا رَبُّنَا الله ثُمَّ اسْتقامُوا).(۴)

خداوند در قرآن به ایمانی خالص: (الَّذِينَ آمَنُواْ وَلَمْ يَلْبِسُواْ إِيمَانَهُم

ص:۴۱

۱- مفاتیح الجنان، بخش از دعای ندبه.

۲- حجرات (۴۹)، ۱۵.

۳- بحار الانوار، ج۴۷، ص۱۲۳.

۴- احقاف (۴۶)، ۱۳۰.

بِظُلْمٍ)؛(۱) ایمانی همراه با عمل: (آمنوا و عملو الصالحات.) (۲)

ایمان و عملی بدون مجادله: (ثُمَّ لاَ يَجِدُواْ فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ) (۳). اشاره می کند؛ یعنی مؤمنان واقعی کسانی هستند که نسبت به داوری های حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نگرانی نداشته باشند و آیه ای دیگر از ایمانی همراه با هجرت: (وَالَّذِينَ آمَنُواْ وَلَمْ يُهَاجِرُواْ)؛(۴) سخن می گوید یعنی کسانی که ایمان دارند ولی هجرت نمی کنند، حق ولایت و سرپرستی ندارند.

در قرآن از ایمانی همراه با نشاط؛ سخن به میان می آید و مسلمانانی که نماز را در حال کسالت می خوانند، انتقاد می کند: (وَ إِذا قامُوا اِلَی الصَّلوهِ قامُوا کُسالی).(۵) و یا به ایمانی همراه با پرداخت پول اشاره دارد و به اصحاب پیامبر که در جبهه جنگ همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جنگیدند، پیروز شدند و غنایم به دست آوردند، می فرماید: اگر ایمان دارید، خمس بدهید وگرنه ایمان ندارید: (وَاعْلَمُوا اِنَّما غَنْمِتُم مِنْ شَیءٍ فَاِنَّ للهَ خَمْسَهُ... إِنْ کُنْتُمْ آمَنَتُمْ بِاللهِ).(۶)

خداوند در آیاتی دیگر به ایمانی همراه با عقل توجه می کند:(یا ایها

۱- انعام (۶)، ۸۲.

۲- بقره (۲)، ۸۲.

۳- نساء (۴)، ۶۵.

۴- انفال (۸)، ۷۲.

۵- نساء (۴)، ۱۴۲.

۶- انفال (۸)، ۴۱.

الذین آمنوا... ان کنتم تعقلون).(۱)

و نیز: (یـا أَیُّهَـا الَّذینَ آمَنُوا لاـ تَتَّخِـذُوا بِطانَهً مِنْ دُونِکمْ لا یَأْلُونَکمْ خَبالاً وَدُّوا ما عَنِتُّمْ قَـدْ بَـدَتِ الْبَغْضاءُ مِنْ أَفْواهِهِمْ وَ ما تُخْفی صُدُورُهُمْ أَکبَرُ قَدْ بَیَّنَّا لَکمُ الْآیاتِ إِنْ کنْتُمْ تَعْقِلُونَ).(۲)

خداونـد متعال در این آیه می فرمایـد: «ای مؤمنان! نگذارید بیگانگان عاملی نفوذی باشـند!»؛ و در پایان می فرماید: «اگر عقل دارید».

بر اسـاس آنچه گفته شـد، ایمـان زمانی ارزشـمند است که با عمل، خالصانه، همراه با هجرت و همراه با عقل و مواردی از این چند باشد؛ بنابراین هر ایمانی سـبب رسـتگاری نیست. مؤمنانی رسـتگارند که در نماز خود خاشع، زکات مال خود را بپردازند در برابر شـهوت از خود محافظت کنند، و از لغو روی گردان باشند. درجای دیگر می فرماید: «مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که هرگاه نام خداونـد متعال برده شود، [مثلاً صـدای اذان را شـنیدند]؛ دل آن ها می لرزد و هرگاه آیات قرآن بر آنان تلاوت شود، بر ایمانشان افزوده می گردد.»(۳)

آری؛ لازم است هرکس که خودش را مؤمن و منتظر ظهور حضرت مهدی می دانـد، خود را بـا این آیـات قرآنی که در این چند سطر بیان شد، مورد ارزیابی قرار دهد و مفاهیم این آیات را در خود نهادینه کند.

۱- آل عمران (۳)، ۱۱۸.

۲- آل عمران (۳)، ۱۱۸.

۳- مؤمنون (۲۳)، ۱۵۲.

همان طور که نـخ سالم بایـد منتظر سوزن باشد. با نخ پوسـیده چیزی دوخته نمی شود؛ بنابراین لایق بودن رهبر به تنهایی کافی نیست. در جنگ احد، فرمانده جنگ، شـخص پیامبر بود ولی مسـلمانان در این جنگ شکست خوردند؛ زیرا یاران پیامبر دچار سستی و غفلت شدند: «فَشَلْتُمْ»؛ و دسـتور حضـرت را اجرا نکردند: «عَصَیتُمْ»؛ در مأموریت خود نزاع کردند: «تَنازَعْتَمْ.»(۱) البته نباید ناامید شد؛ زیرا خداوند متعال می تواند همین انسان های ضعیف را نیز دگرگون کند.

گـاهی آبی آلوده، به خـاک بـاغچه فرو می رود؛ ولی از آن گل و گلابی خوشـبو به دست می آیـد. خداونـد متعال می تواند بدی ها را به خوبی ها تبدیل و افراد را متحول نماید.

در دعای ماه مبارک رمضان می خوانیم: «اَللّهُمَ غَیِّر سوُءَ حالِنَا بِحُسْنِ حالِکْ»؛ همان گونه که سـلمان فارسـی بخشـی از عمرش (و آن هم در اواخر عمرش) به اسلام گروید؛ اما چنان رشد معنوی کرد که درباره اش گفتند: «اَلسِّلْمانُ مِنّا اَهْلَ الْبیتْ»(۲).

مـا بایـد با اسـتمداد از خداونـد متعال و با الهام از آیات و روایات و دعاها، در خود شایسـتگی ایجاد کنیم. اولین گام برای این کار فکر بلند و نگاه وسیع به تمام هستی و مردم است. کسانی که منتظر اصلاح کلی و برقراری عدالت اجتماعی در همه جهان هستند، نمی توانند افرادی باشند که دایره فکرشان

۱- آل عمران (۳)، ۱۵۲.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۸، ص۲۸۵.

فقط به خویش و بستگان و قبیله و حزب و منطقه خاص خود محدود باشد؛ بلکه باید روحی بسیار بلند داشته باشند. در دعاها از خداونـد متعـال می خواهیم: «خـدایا! همه فقرا را غنی سـاز و همه مشـکلات را حل بفرما! همه بیماران را شـفا بـده!» در این دعاها به کشور و منطقه و لهجه و... توجهی نشده است؛ چنان که در سـلام نماز به همه صالحان تاریخ سلام می کنیم: «اَلسَّلامُ عَلَینـا وَ عَلی عبـادِ اللهِ الصّـِالِحینْ.» از خداونـد متعـال هـدایت به راه مسـتقیم را برای همه مردم می خواهیم؛ بنابراین می گوییم: «اهدنا!» و نمی گوییم: «اهِدْنِی!».

دعای عهد نوع رابطه ما را با حضـرت مهدی علیه السـلام و علاقه ما را به آن حضرت نشان می دهد. در این دعای نورانی می خوانیم: «اَللّهَم بَلِّغْ مَوْلانا صاحِب الزَّمانِ عَنْ جَمیعِ الْمَؤمنینَ وَ الْمُؤمِناتْ» و این به معنای آن است که علاقه ما بایـد به نمایندگی از همه مؤمنان باشد و نیز:

علاقه بایـد بـدون مرز: «فی مَشارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغارِبِها»؛ علاقه بایـد بـدون شـرط: «حَیهِّمْ وَ مَیتهِم»؛ علاقه بایـد بـدون تاریخ: «عَنْ والِدَی وَ وَلَدی»؛ علاقه باید بدون محدودیت: «زِنَه عَرْشِ اللهِ وَ مِدادِ کَلِماتِهِ»؛ باشد

و همچنین باید دارای تازگی بوده و هر روز نو شود: «اُجَدِّدُ لَهُ

ص:۴۵

فی هذاَ الْیوْمِ وَ فی کُلَ یوْمٍ»(۱)؛

و روندی رو به رشد داشته باشد: «عَهْدَاً وَ عَقْداً وَ بَیعَةً»؛ یعنی اول تعهد، بعد قرار بستن سپس بیعت و تسلیم.

به راستی این جملات چقدر سازنده است! انسانی را که به طور طبیعی باید به فکر خوراک، پوشاک، همسر، فرزند و رفاه باشد، با عشقی بی نهایت به مصلحی معصوم، آن هم بدون هیچ حد و مرز، مرتبط می سازد.

این علاقه بر اساس آن است که در حدیث می خوانیم: «امام از پدر و مادر به مردم مهربان تر است»؛ «اشفق علی الناس من آبائهم و امهاتهم».(۲)

ص:۴۶

۱- بحارالانوار، ج۹۱، ص۱۱۰.
۲- من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۴۱۸.

۹. چگونه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشــریف می تواند حکومت واحدی تشکیل دهد و همه مکاتب و ادیان را گرد هم آورد؟

اولاً در این مورد، اراده خداوند متعال مطرح است و نه قدرت بشری: (وَنُرِیدُ أَن نَّمُنَّ...)؛(۱) و خداوند متعال هر آنچه اراده کند، همان محقق می شود و اراده خدا بر هر چیز غالب است: (وَاللّهُ غَالِبٌ عَلَی أَمْرِهِ).(۲)

نکته اول: در تاریخ نمونه هایی از حکومت مردان خداوند وجود داشته است؛ مثلاً حضرت سلیمان علیه السلام که حاکمی الهی بود و بر همه امور تسلط داشت؛ یا حضرت یوسف علیه السلام که توانست با تدبیری مناسب مدیریت منطقه ای را به دست بگیرد و یا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که همه بت ها را شکست، گروه ها و احزاب منحرف را در هم کوبید و حکومتی آمیخته از عرب و عجم، برده و آزاد، زن و مرد، سیاه و سفید تشکیل داد آن چنان که اکنون مناسک حج، تابلویی از گرد آمدن لهجه ها، سلیقه ها و نژادها، از همه کشورهای دنیا در یک منطقه آن هم با یک لباس، یک شعار، یک برنامه، در زمان، مکان واحد

۱- قصص (۲۸)، ۵

۲- یوسف (۱۲)، ۲۱.

می باشد.

در ایران نیز امام خمینی قدس سره فقیه عادلی بود که حکومت را به دست گرفت، و پرونده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در هم پیچید. شکوفایی و رشد نسل جدید را به ارمغان آورد. در حالی که طاغوتیان و جنایتکاران یا فرار کردند و اعدام شدند و در مقابل مستضعفین حکومت را به دست گرفتند. او توانست با انقلاب اسلامی ایران قوانین باطل را لغو کند و همه احزاب و سلیقه های مختلف در یک کشور را در یک خط و دور یک محور جمهوری اسلامی قرار دهد.

اگر ما امام خمینی را نمی دیدیم، برای معنای این آیه دنبال یک مصداق می گشتیم که مگر می شود کسی از احدی جز پروردگار نترسد: (وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ)(۱) بر فرض ما اگر نمونه ای هم نداشته باشیم، به وعده های الهی ایمان داریم که خداوند متعال فرموده است: (إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا)؛(۲) یعنی ما پیامبران و مؤمنان را در همین دنیا یاری می دهیم. در قرآن نمونه هایی از این دست فراوان است از جمله آن جا که خداوند فرموده است: «حزب خدا غالب است»؛ (فَإِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)؛(۳) «لشکر ما یاری شده هستند»؛ (إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ * وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ)(۴)؛ «ما حکومت را به مؤمنین

ص:۴۸

۱- احزاب (۳۳)، ۳۹.

۲- غافر (۴۰)، ۵۱.

۳- مائده (۵)، ۵۶.

۴- صافات (۳۷)، ۱۷۲ و ۱۷۳.

خواهیم داد»؛ (لَیَسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الْأَرْضِ)؛(۱) «مکتب اسلام را بر همه مکتب ها غالب خواهیم کرد»؛ (لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ).(۲)

نکته دوم: وقتی بر اساس روایات قطعی قرار است که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام زمان علیه السلام نماز بخواند؛ می توان پیش بینی کرد که مسیحیت جهان نیز به پیروی از حضرت مسیح در خط اسلام قرار می گیرند.

نکته سوم: خستگی مردم از جنایتکاران، شکست همه وعده ها و گسترش فساد در جهان، به قدری است که در روایات می خوانیم که افرادی بر سر قبر مردگان می آیند و می گویند: خوشا به حال شما که رفتید و این زندگی ما را ندیدید! خستگی مردم آنان را آماده پذیرفتن حق می کند؛ همان گونه که خستگی مردم از جنایتهای شاه، آن ها را به سمت امام خمینی کشانید.

نکته چهارم: بسیاری از فرهیختگان بشری، تخصص خود را در اختیار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می دهند و بازوی اجرایی ایشان می شوند؛ چنان که ما در زمان خود دیدیم خلبانانی که در زمان شاه در آمریکا تحصیل کردند و خلبان شدند تا اهداف شاه و آمریکا را تأمین کنند؛ اما با انقلاب اسلامی خدمت امام آمدند؛ دست امام را بوسیدند و تخصص خود را در خدمت امام راحل عظیم الشأن گذاشتند.

نکته پنجم: رمز پیروزی اسلام هدایت و حقانیت است، نه اسلحه و کودتا: (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ).(۳)

ص:۴۹

۱- نور(۲۴)، ۵۵.

۲- توبه (۹)، ۳۳.

۳- توبه (۹)، ۳۳.

انسان به طور فطری دین حق را دوست دارد؛ آن چنان که اگر اسلام ناب به مردم عرضه شود، گروه گروه به آن می پیوندند؛ همان گونه که در صدر اسلام اخلاق، رفتار و منطق پیامبر باعث شد تا مردم دسته به دسته به دین اسلام ملحق شوند: (یَدْخُلُونَ فِی دِینِ اللَّهِ أَفْوَاجًا).(۱)

امام رضا علیه السلام فرمود: «اگر مردم زیبایی کلام ما را بشناسند، حتماً از ما پیروی می کنند؛ اِنَّ الناسَ لَوْ عَرَفوُا مَحاسِنَ کَلامِنا لاتَّبَعونا».(۲)

نکته ششم: حذف خرافات و جلوه کردن حق از جمله موارد گرایش مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ظهور می کند: «یأتی بأمرجدید» و منظور آن است که وقتی خرافات و بدعت ها در اسلام برطرف شد، حقیقت اسلام چنان جاذبه ای خواهد داشت که مردم را دگرگون خواهد کرد.

نکته هفتم: رعب و ترس نیز در این باره نقش مهمی دارد؛ همان گونه که بر اساس روایات، امام از پدر مهربان تر است: «اَشْفَقَ عَلَیهِم مِنْ آبائِهِم»؛(۳) نسبت به جنایتکاران نیز قهار است: «اَشِّداءُ عَلَی الْکَفَّارَ» و همه جنایتکاران به خاطر جنایاتشان از نظام مهدوی به وحشت می افتند: «وَ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبْ».

همان گونه که درباره پیامبر اسلام، این وحشت در دل منحرفین ایجاد

۱- نصر (۱۱۰)، ۲.
۲- عیون اخبار الرضا، ج۱، ص۳۰۷.
۳- من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۴۱۸.

شد: (وَقَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ).(۱)

۱- احزاب (۳۳)، ۲۶.

۱۰. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه زمانی ظهور می کند؟

هیچ کس نه می تواند و نه حق دارد برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، زمان تعیین کند؛ چون زمان ظهور از علوم غیبی است که فقط در اختیار خداوند متعال است. در روایات می خوانیم اگر کسی برای ظهور زمانی را تعیین کرد او را تکذیب کنید: «کَذَبَ الْوَقّاتُون!»(۱).

ص:۵۲

۱- الغیبه، ص۴۲۶.

۱۱. آیا ممکن است امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت دیده شود؟

دیـدن امـام زمـان عجل الله تعالی فرجه الشـریف محال نیست و توفیق زیارت ایشان امتیاز بالایی است. در دعاها نیز از خـداوند متعـال می خواهیم که این دیـدار را نصـیبمان فرمایـد: «اَللّهُمَ اَرِنی الطَّلْعَهَ الرَّشـیدهْ». همچنین بنابر منابع اسـلامی وقتی مردم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف را در زمان ظهور ببیننـد، خواهنـد گفت: «ما ایشان را چند بار دیده بودیم!» از سویی دیگر بخواهیم مسأله را از دیـدگاه قرآن بررسـی کنیم، ماجرای حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف شبیه داسـتان حضـرت یوسف علیه السلام است: «فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنکرُونَ»به آن معنا که یوسف برادرانی را که ده ها سال او را ندیده بودند، شناخت؛ ولی آن ها او را نشناختند. آنچه در این میان مهم است، توجه به دو مسأله است.

اوّل آن که ما مأمور نیستیم برای دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف به منطقه، مسـجد یا واسـطه ای رجوع کنیم. در آیات و روایات در این مورد سفارشـی نشده است؛ ولی مکلّفیم در زمان غیبت به مجتهد جامع الشـرایط (فقیه عادل بی هوس) که در حلال و حرام الهی صاحب نظر است، مراجعه کنیم و کلام او را برای خود حجت بدانیم و به آن عمل کنیم.

ص:۵۳

دوم این که نبایـد فریب افراد شـیاد را بخوریم که بـا ادعـای ملاقات با امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف افرادی را دور خود جمع کرده، از این راه نان می خورند و باید به هوش باشیم که تعداد مدعیان دروغین کم نیست.

ملاقات با امام، ارواحنا فـداه، در مواردی نیز انجام شـده است؛ اما به گونه ای بوده که افراد، بعـداً متوجه شدند که آن شـخص حضرت مهدی علیه السلام بوده است. همچنین این ملاقات ها با اراده حضرت صورت گرفته است، نه با اراده ملاقات کننده.

ص:۵۴

۱۲. وظیفه منتظران در زمان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

در عصرغیبت ما چند وظیفه داریم:

۱. گام اول: معرفت.

در حدیث می خوانیم: «مَنْ ماتَ وَ لَمْ یعْرِفْ اِمامَ زَمانِهِ ماتَ مَیتَهً جاهِلِیهً؛(۱) هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.» یعنی از فرهنگ و تمدن هیچ بهره ای نخواهد داشت.

شناخت مثل سایر کمالات از جمله علم، ایمان و تقوا درجاتی دارد و انسان باید روز به روز شناخت و معرفت خود را بالا ببرد.

درباره امام شناسی، بهترین منبع برای معرّفی سیمای امام علیه السلام، زیارت جامعه کبیره است که از امام هادی علیه السلام نقل شده است. هیچ کس مثل خود امام، امام را معرفی نمی کند. امام در یک عبارت از صدها جمله که در زیارت جامعه است، چنین می گوید: " بِکُمْ یُمْسِکُ السّماءِ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْاَرْضْ؛ " یعنی خداوند متعال به واسطه شما، آسمان و کرات آسمانی را نگاه داشته تا بر زمین فرود نیایند. این جمله یعنی چه؟

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ۴۱۰.

انسان وقتی گرفتار چرت و خواب آلودگی شد، حتی نمی تواند پلک خود را نگه دارد؛ اما امام علیه السلام آسمان ها را نگاه می دارد. رسیدن به این درجه از معرفت بسیار مهم است.

برای مثال گاهی می شنویم که مثلاً انگشتر عقیق انسان را حفظ می کند یا فلان انگشتر دارای فلان اثر است. گاهی می بینیم صاحبان کامیون های بزرگ، با زنجیری که از کامیون آویزان می کنند، جلوی انباشته شدن الکتریسیته ساکن را می گیرند؛ زیرا این انباشته شدن الکتریسته برای ماشین خطرناک است. همچنین بالای ساختمان های بلند، نصب قطعه الماس می تواند جلوی خطر صاعقه و رعد و برق را بگیرد و یا رابطه انسان با جهان، مثل رابطه چشم و مژه است که موی مژه چشم را حفظ می کند؛ البته این زنجیر، الماس و مژه، جمادات ساده ای هستند که با اولیای خدا قابل مقایسه نیستند؛ ولی با معذرت از اولیای خدا و تنها برای تقریب به ذهن از ان ها استفاده کردیم.

ناگفته پیداست که خداوند متعال کارها را از مسیر طبیعی انجام می دهد، وگرنه خود می تواند بدون واسطه، انسان و جهان را حفظ کند، ولی این واسطه ها را قرار داد تا ما بتوانیم از راه معرفت، مودّت و اطاعت از آن ها که اولیای الهی هستند، بهتر خدا را بشناسیم. او به واسطه نیازی ندارد و از همه چیز آگاه است. به قلم و نامه نیازمند نیست تا بگوید فرشتگان کار شما را

می نویسند: (بَلَی وَرُسُلُنَا لَدَیْهِمْ یَکتُبُونَ.)(۱) به باز کردن پرونده نیازی نیست تا بگوید: (وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ)،(۲) به گواهان نیازی نیست تا بگوید: (وَیَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهَادُ)(۳)، برنامه و سنت خداوند متعال بر این اساس است که تمام آفرینش سیر طبیعی داشته باشد و با وجود این برای برخی امور واسطه قرار می دهد تا ما به این واسطه ها مرتبط شویم. خداوند متعال باران نازل می کند: (وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاء مَاء)؛(۴) ولی این باران از مسیر طبیعی است؛ یعنی خورشید باید بر اقیانوس ها و دریاها بتابد تا بخار آن ها بالا رود؛ این بخارها به صورت ابر متراکم شود؛ بادها ابرها را جابه جا و جاذبه زمین قطرات را به خود جذب کند، سراشیبی های زمین آن ها را به صورت جوی در آورد؛ جوی ها در دره ها به هم متصل و به نهر تبدیل شوند و به دریا برسند.

در مسائل معنوی نیز ماجرا به همین روش است؛ یعنی خداوند متعال انسان را از مسیر وحی، فرشتگان، انبیا، عقل، فطرت، آموزش، پرورش و هدایت می کند.

امامان ما و اولیای خدا نیز واسطه خدا و انسان برای فیض مادی و معنوی هستند. فیض مادی مانند «بِکَمْ یُنَزِّلُ الْغَیثْ»(۵) و فیض

۱- زخرف (۴۳)، ۸۰.

۲- تکویر (۸۱)، ۱۰.

۳- غافر (۴۰)، ۵۱.

۴- مومنون(۲۳)، ۱۸.

۵- مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره.

معنوی مانند «بِمُوالاتِکَمْ عَلَّمَنا اللهُ مَعالِمَ دیننا».(۱) فیض دنیوی مثل «بِمُوالاتِکَمْ اَصْلَحَ ما فَسَدَ مِنْ دُنْیانَاَ»(۲) و فیض اخروی نظیر «شُهدَاءِ دارِ الْفَنَا وَ شُفَعاءِ دارِ الْبَقا»(۳). این جملات در قرآن ریشه دارد؛ زیرا قرآن نیز در این باره می فرماید: ما شما را امت وسط قرار دادیم تا شاهد بر اعمال مردم باشید: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُواْ شُهَدَاء عَلَى النَّاسِ)؛(۴) اگرچه مفسرین در معنای امت وسط سخنان زیادی دارند؛ معقول ترین سخن، روایات اهل بیت: است که می فرماید: امت وسط، همه مردم نیستند؛ بلکه مراد از امت وسط پیامبر واهل بیت او هستند و غیر از این نمی تواند باشد؛ زیرا قرآن می فرماید: خداوند شما را امت وسط قرار داد تا بر امور مردم شاهد باشید و از آن جا که شاهد دو چیز لازم دارد: علم و عدالت؛ پس مردم که به کار یکدیگر علم ندارند. (نه من از کار شما آگاهم تا شهادت بدهم و نه شما بر کار من). بنابر این، باید مراد از امت وسط کسانی باشند که بر تمام کارهای انسان، آگاه باشند و در مرحله ای از عدالت باشند تا گواهی آن ها معتبر باشد و این، جز افراد خاصی از امت نیست. جان کلام این که افراد امت، نه آگاهند، و نه عادل. پس مراد از امت وسط افراد خاصی

۱- مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره.

۲- مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره.

۳- مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره.

۴- بقره (۲)، ۱۴۳.

است که کارهای ما بر آن ها عرضه می شود و آن ها از کار ما آگاهند و گواهی آنان بر کار ما سند و حجت است.

و این مسأله مانند آیه (إِنَّمَا وَلِیُّکمُ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُواْ الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاَةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکاةَ وَهُمْ رَاکعُونَ)(1) اگرچه عبادت «وَهُمْ رَاکعُونَ» به صورت جمع است اما بنابر گفته شیعه و سنی، منظور از آن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است. در آیه مورد بحث نیز هر چند لفظ «امت وسط» آمده است؛ ولی منظور از آن یک امت نیست، می توان ذکر آن را اشاره به تعداد محدودی از افراد دانست.

نظیر این مفهوم نیز در آیه (فَسَیَرَی اللّهُ عَمَلَکمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)(2)؛ به چشم می خورد که به زودی خدا، پیامبرش و مؤمنان در کار شما خواهند نگریست.

مراد از «مؤمنون» در این آیه باید کسانی باشند که بتوان نامشان را در کنار خدا و رسول عرضه کرد و این افراد نمی توانند افراد عادی باشند. به همین دلیل شیعه بر اساس این آیه و روایات دیگر معتقد است که اعمال انسان به اولیای خدا عرضه می شود. اگر اعمال او خوب باشد، اولیای الهی شاد می شوند و اگر بد باشد، اندوهگین می شوند. امام صادق علیه السلام فرموده است «ای مردم! با گناه خود رسول خدا را ناراحت نکنید» و بر اساس روایات، مراد از مؤمنون، امامان معصوم علیهم السلام هستند.

۱- مائده (۵)، ۵۵.

۲- توبه (۹)، ۱۰۵.

در این جا نیز بایـد بگوییم با این که علم، حضور و دیدن خدا کافی است؛ اما از آن جا که هر چه بیننده بیش تر باشد، شـرم و حیای انسان از خلافکاری بیش تر می شود، به خصوص که این بینندگان اولیای خدا باشـند؛ خداوند با حکمت خود این گونه طراحی کرده است که هم در دنیـا و هم در قیـامت اعمـال ما به اولیای الهی عرضه شود هم زمین و هم زمان گواهی دهـد و به عبارتی بهتر اعضای بدن، فرشتگان، اولیای خدا و حتی پرونده ها نیز گواهانی بر اعمال انسان باشند.

۲. گام دوم: مودت.

البته مودت چیزی بالاـتر از محبت است. به محبت عمیقی که انسـان را به پیروی وا دارد، «مودت» می گوینـد. مودت اهل بیت علیهـم السـلام مزد رسـالت آن هـا است: (قُل لَّا أَسْـأَلُكمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَـوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی).(۱) مزد رسـالت و تشـکر از صاحب نعمت، واجب است و زمـان بردار نیست؛ یعنی در هر مکان و زمانی انسان بایـد از زحمات کسانی که بر او حق دارنـد، تشـکر کنـد. اگر در صـدر اسـلام، مودت و محبت به اهـل بیت به عنوان مزد رسالت واجب بوده است؛ الآن هم بایـد این مزد پرداخته شود؛ زیرا پیامبر بر گردن ما حق بسیاری دارد پس باید الآن نیز از اهل بیت پیامبر کسی باشد تا ما به آن مودت داشته باشیم که او جز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست.

بر اساس نصّ روایات، عترت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم از قرآن جدا نیست؛ زیرا پیامبر اسلام بارها فرمود: «قرآن و اهل بیت هرگز از هم جدا نمی شوند.» پس اکنون

۱- شوری (۴۲)، ۲۳.

که قرآن هست باید اهل بیتی هم باشد و اگر امام زمان نباشد بیش از ده قرن بین قرآن و اهل بیت فاصله می افتد، در حالی که یک لحظه هم نباید بین آن ها جدایی باشد: «لَنْ یفْتَرِقا»؛(۱)هرگز این دو (قرآن و عترت) از یکدیگر جدا نیستند.

حتی در مرتبه بالاتر، مسأله جدا نشدن قرآن و اهل بیت را نیز از خود قرآن می توان استفاده کرد؛ چرا که قرآن در این باره می فرماید: «شما که قرآن و رسول دارید چرا کافر می شوید»؛ (وَکیْفَ تَکفُرُونَ وَأَنتُمْ تُتْلَی عَلَیْکمْ آیَاتُ اللّهِ وَفِیکمْ رَسُولُهُ)؛(۲) یعنی اگر تنها قرآن بود و یا تنها رسول، کفر شما توجیهی داشت اما با وجود قرآن و رسول، کفر شما هیچ دلیلی ندارد بنابراین الآن که در بین ما رسولی نیست؛ پس ما می توانیم کافر شویم مگر این که همتای رسول در این زمان هم موجود باشد که نتوانیم کافر شویم (زیرا کافر شدن مجاز نیست). و همتای رسول هم کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نوعی او را همتای خود شمرد و فرمود: «علی علیه السلام نفس من است» «وَ اَنْفُسَنا وَ اَنْفُسَکُمْ»(۳) و سایر ائمه اطهار نیز چنینند.

به عبارت دیگر، وقتی حجت بر مردم تمام است که هم رهبر معصوم و هم قرآن در بین مردم وجود داشته باشند در این صورت کلمه «حَسْبُنا کِتابَ الله» نمی تواند درست باشد.

ص:۶۱

۱- اصول کافی، ج۴، ص۱۹۸.
۲- آل عمران (۳)، ۱۰۱.
۳- آل عمران (۳)، ۶۱.

۳. گام سوم: اطاعت.

معرفت و مودت زمینه اطاعت است. در این باره به یک مثال توجه کنید. اگر شما به کودک خود بگویید: «من تو را دوست دارم.»؛ او تقاضای خرید شیرینی یا لباسی از شما داشته باشد و شما بگویید «دوستت دارم ولی خرید ممنوع» آیا کودکتان این نوع دوستی را قبول می کند؟ مسلماً نه. حتی کودک هم دوستی بدون عمل را، از پدر و مادرش قبول نمی کند.

محبت باید کامل باشد و انسان نباید محبت های دیگر را در کنار محبت خدا و اولیای او قرار دهد.

دختری از من سؤال کرد: «من خدا را دوست دارم، اهل بیت و نماز را هم دوست دارم؛ اما برای این که لاک ناخن را دوست دارم، نماز نمی خوانم؛ چون نمی توانم وضو بگیرم پس با همان ناخن های لاک زده نماز می خوانم و در برخی مواقع هم نمازم را نمی خوانم.» این دختر علاقه به لاک را هم ردیف و برابر با علاقه به خدا، رسول و نماز گذاشته بود. به او گفتم: «اگر همسرت یک شب به خانه نیاید و بگوید که شما را دوست دارد، ولی بستنی را هم دوست دارد و چون دیشب یکی از رفقا او را برای صرف بستنی به خانه خود دعوت کرده و او نتوانسته به منزل بیاید؛ شما چقدر ناراحت می شوید؟ اگر علاقه به زیبایی ظاهری یک ناخن را بر علاقه به خالق همه زیبایی ها برتری بدهیم، توهین به خداست. اگر علاقه به گناه را بر علاقه به اهل بیت ترجیح بدهیم، توهین به اهل بیت است. همان طور که اگر شوهرتان علاقه به بستنی را بر علاقه به شما ترجیح دهد، توهین به شماست.»

ص:۶۲

بارها پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «قرآن و اهل بیت هرگز از هم جدا نیستند و شما اگر به هر دو تمسک کنید، گمراه نمی شوید»: «ان تمسک بهما لن تضلوا»(۱).

جمله «لن تضلوا» به معنای آن است که هرگز گمراه نمی شوید.

هر مسلمانی هر روز با خواندن سوره حمد، حداقل ده بار از خدا می خواهد که از گمراهان نباشد: «وَ لَا الضّالینْ»؛ یعنی از «لَنْ تَضِلوّا»ها نباشد و این، یعنی از قرآن و اهل بیت جدا نباشد. پس ما در هر نماز از خدا می خواهیم جزء گمراهان و از کسانی نباشیم که بین قرآن و عترت جدایی انداخته اند و فقط به یکی از آن ها باور دارند.

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود، این است که بر اساس جملاتی از زیارت جامعه کبیره مانند «مِن اِعْتَصَمَ بِکُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِالله» تمسک به اهل بیت تمسک به خداست(۲) «وَ مَنْ یعْتَصِمْ بِاللهِ فَقَدْ هَدی اِلی صِراطِ مُسْتَقیمْ» و تمسک به خدا، همانا راه مستقیم است؛ پس این که در نماز می گوییم: «اهدِنَا الصِّرَاطَ المُستَقِیمَ»؛ «خدایا! ما را به راه راست هدایت کن!»؛ راه مستقیم، تمسک به خداست و تمسک به خدا از راه تمسک به اهل بیت صورت می پذیرد.

یک بار دیگر به این سطر توجه کنید: توسل به اهل بیت توسل به خداست و ما که در نماز می گوییم «اهدِنَا الصِّرَاطَ المُستَقِیمَ»؛ یعنی ما را

۱- تحف العقول، ص۵.

۲- مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره.

از طریق تمسک به اولیای خودت هدایت کن!

نکته دیگری که باید آن اشاره شود، این است که بر اساس جملاتی از زیارت جامعه کبیره مانند «مَنْ اِعْتَصَمَ بکم فقد اعتصم بالله» تمسک به اهل بیت تمسک به خداست و از سویی دیگر «من يعْتَصِمْ بِاللهِ فقد هدی الی صراط مستقیم»، تسمک به خدا، همانا راه مستقیم است.

ص:۶۴

۱۳. آیا توصیه به رفتن به مسجد جمکران سند معتبری دارد؟

اولاً، در کارهای مستحب به سند معتبر نیاز نیست؛ زیرا در روایات می خوانیم که اگر به کسی خبر کار خیری رسید و او به امید تقرب و نزدیک شدن به خداوند آن را انجام داد، پاداشی از آن کار خیر به او می رسد، اگرچه آن خبر واقعیت نداشته باشد. به این روایات، روایات «من بلغ» می گویند؛ مثلاً اگر شخصی را در راه دیدیم و خیال کردیم که او شخص خوبی است و به او سلام کردیم و احترام گذاشتیم؛ ولی بعد معلوم شد که شخص خوبی نبوده است؛ بی تردید به پاداش سلام خود رسیده ایم.

ثانیاً، رفتار و نیات مردم به خودی خود ارزش دهنده است. زمین جمکران، منطقه ای است که میلیون ها انسان در آن جا به یاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و در این مسجد به مناجات، توبه، بیتوته، ذکر و نماز مشغولند. این عبادت ها در هر زمینی که انجام شود مقدس خواهد شد.

افزون بر این از بزرگ ترین مراجع تاریخ، حضرت آیت الله العظمی بروجردی که استاد بسیاری از مراجع بودند، پرسیدند که آیا ما در مسجد

جمکران، نماز را به قصد «ورود»(۱) یا به قصد «رجا و امید»(۲) بخوانیم؟

ایشان پس از کمی درنگ فرمود: «به قصد «ورود» بخوانید.» گوینده این حرف حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در رمضان سال ۱۳۹۱ شمسی در مشهد مقدس می باشد.

آیت الله صافی باز هم در این باره از آیت الله العظمی بروجردی نقل کردند که ایشان به روحانیون می فرمود: «منبری نباشد که نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن برده نشود.»

ص:۶۶

۱- ورود: (معنای ورود آن است که این نماز از امام معصوم علیه السلام نقل شده باشد)

۲- رجا وامید: (یعنی به امید رسیدن به ثواب، نه به اعتبار این که از سوی امام نقل شده است).

۱۴. معنای انتظار چیست؟

انتظار دو معنا دارد: مثبت و منفی.

معنای مثبت انتظار آن است که نظام های بشری را نپـذیریم. چون نظام ها، سـران و قوانین آن ها برخاسـته از هوس، با تکیه بر ظلم، قوانین سست و ناقص می باشد.

انتظـار مثبت، یعنی منتظر رهبری بی نقص و کامل بودن؛ منتظر قانون صـد در صـد سالم و جامع بودن؛ منتظر نظام عـدل بودن؛ منتظر اخلاص، رشد، تکامل، ترقی، بصیرت، احقاق حق، محو باطل، و... بودن.

اما انتظار منفی یعنی در برابر هر ضعف، عیب و ستمی سکوت کنیم تا خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کنـد و آن را اصـلاح نمایـد. انتظـار به این معنـا، در حقیقت احتضـار است، نه انتظـار؛ وارفتگی است، نه وارسـتگی؛ بی خیالی است، نه غیرت و تن پروری است، نه همت. مثلاًـ کسـی که در شب منتظر طلوع خورشـید است، در تـاریکی نمی نشـیند؛ بلکه ضمن انتظار، برای روشن کردن چراغ هم فعالیت می کند.

کسـی که در زمسـتان منتظر بهار است، بی حرکت در سـرما نمی نشـیند؛ بلکه برای گرمای اتاق تلاش می کند و در ضمن آن در انتظار بهار و تابستان است؛ بنابراین معنای انتظار دست روی دست گذاشتن، وارفتگی، سکوت و ظلم پذیری نیست.

ص:۶۷

۱۵. آیا تطبیق هایی که در عرصه مهدویت انجام می شود، صحیح است؟

در بعضی روایات نام افرادی برده می شود که قبل از ظهور دست به کارهایی می زنند، مثل سید خراسانی، دجّال، سفیانی و... در این میان برخی کارهای آنان را با کارهای زمان خود، آن افراد را با افراد زمان خود و آن مکان ها را با مکان هایی که خود می پسندند، تطبیق می دهند. این تطبیق ها نیز جایز نیست؛ زیرا این انطباق ها روزنه هایی برای سوء استفاده صاحبان سلیقه و بدعت و نیز افراد جاهل و قاصر یا رندان شیاد خواهد شد. در این موارد تنها راه نجات آن است که تمام این تطبیق به وسیله فقیهان عادل بی هوس و بصیر شناسایی شود و افرد آگاه اجازه ندهند موجی از بشارت ها یا تهدیدها جامعه را به اضطراب بکشاند.

خدا در این باره در سوره نساء آیه ۸۳ می فرماید: (وَإِذَا جَاءهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُواْ بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُوْلِي الأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلاَ فَضْلُ اللّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلاَّ قَلِيلاً)؛ «هنگامی که خبری و [شایعه ای] از ایمنی یا ترس [پیروزی یا شکست] به آنان [منافقان] برسد، آن را فاش ساخته و پخش می کنند، در حالی که اگر آن را [پیش از نشر] به پیامبر و اولیای امور خود ارجاع دهند، قطعاً آنان که اهل درک و فهم و استنباط هستند، حقیقت آن را در می یابند

ص:۶۸

و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، به جز اندکی، از شیطان پیروی می کردید».

در این آیه خداوند متعال به افرادی که با انگیزه های خاصی، مانند انتقام، ضربه زدن، طمع مادّی، خودنمایی، اظهار اطلاعات، مرید بازی، چپاول اموال مردم، یا ایجاد تفرقه و امثال آن خبرهایی ناخوشایند در جبهه یا غیر جبهه پخش می کنند؛ به شدت انتقاد کرده و می فرماید: امت اسلامی باید دارای سازمان و تشکیلاتی باشد تا اخبار مختلف در یک مرکز ویژه گردآوری شود و سپس این اخبار به وسیله اسلام شناسانی که اهل استنباط هستند، ارزیابی شده و صحیح یا باطل بودن آن روشن گردد؛ سپس مصلحت انتشار یا کتمان آن شناسایی شود و پس از این تمهیدات، همه اخبار یا برخی از آن ها به اطلاع جامعه برسد.

هرچند این آیه در مورد اخبار جبهه و جنگ است؛ رجوع به کارشناس و اهل استنباط که در این آیه مطرح شده اصلی عقلایی برای همه کارهای مشکوک و شبهه دار است.

اگر ما در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسائل قبل و بعد از ظهور روایت مشکوکی شنیدیم، باید آن را به فقیهان بصیر، ارجاع دهیم تا این روایات ارزیابی و بررسی و عدم تضاد آن با قرآن روشن شود و در معنای آن دقت گردد و پس از گذران این مراحل به آن اعتقاد پیدا کنیم. با شعر، خواب، تخیلات، حدسیات، قیاس، استحسان و این گونه موارد نمی توان به چیزی معتقد شد.

ما در اعتقادات دینی جز به دلایل عقلی، آیات قرآن و روایات محکم

نمی توانیم به چیزی دیگر تکیه کنیم؛ بنـابراین حق تطبیق قطعی روایات با پیش فرض های خود را نـداریم. و اگر جز این عمل کنیم، به هشدارهای بسیار سخت قرآن گرفتار می شویم.

قرآن کریـم در آیه ۷۹ سوره بقره در یـک آیه سه مرتبه می فرمایـد: (فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكتُبُونَ الْكتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَـٰذَا مِنْ عِنـدِ اللّهِ لِيَشْتَرُواْ بِهِ ثَمَناً قَلِيلاً فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا يَكسِبُونَ)؛ پس، وای بر کسانی که مطالبی را با دسـت خود می نویسـند؛ سـپس می گوینـد: «این از طرف خداست،» تا به آن بهای اندکی بسـتانند! پس وای بر آن ها از آنچه دسـت هایشان نوشت و وای بر آن ها از آنچه [از این راه] به دست می آورند!».

تنها آیه ای که در آن سه بار کلمه «وَيْلٌ» به کار رفته، همین آیه است که خطر علما و دانشمندان دنیاپرست را مطرح می کند.

برخی از پیام های این آیه عبارتند از:

۱. دین سازی، در طول تاریخ جریانی خطرناک بوده است: «يَكتُبُونَ الْكتَابَ».

۲. بدعت، دین سازی، دین فروشـی و استحمار مردم، از جمله خطراتی است که از ناحیه دانشمندان فاسد، جامعه را تهدید می کند: «يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِندِ اللّهِ».

۳. مواظب قلم ها، کتاب ها، مقالات زهرآلود، تحریف گر و بدعت گزار باشـید و به هر عالمی اعتماد نکنید: «يَكتُبُونَ الْكتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ

هَذَا مِنْ عِنِدِ اللّهِ».

۴. مردم به صورت فطری به مذهب علاقه دارند؛ بنابراین بسیاری از شیّادان، سخنان خود را به نام دین و مذهب به مردم ارائه می کنند: «یَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنِدِ اللّهِ».

۵. یکی از انگیزه های بدعت و افترا، رسیدن به متاع ناچیز دنیاست: «ثَمَنًا قَلِیلاً»

۶. از بدترین درآمدها، درآمدِ دین فروشی است: «وَیْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا یَکسِبُونَ».

۷. شدیدترین عذاب ها متوجّه کسانی است که به تفکر و اعتقاد مردم خیانت می کنند. تکرار کلمه «وَیْلٌ» گویای این هشدار است.

۸. گناه هر انحرافی که در طول تاریخ در اثر بدعتی به وجود آید، به گردن بدعت گزار است: «یَکسِبُون» دلالت بر استمرار دارد و گویای آن است که به زمان خاصی محدود نیست.

ص:۷۱

۱۶. آیا امام زمان علیه السلام همسر و فرزند دارد؟

عقل به ما می گوید دنبال مسائلی برویم که چهار شرط داشته باشد:

۱. ضروری و واجب باشد؛

۲. مستحب و مفید باشد؛

۳. مشکل فردی در آن حل شود؛

۴. جامعه ای را از خطر و انحراف نجات دهد.

اطلاعات جزئی راجع به مسائل شخصی امام زمان و هیچ امام دیگر، نه واجب و مستحب است و نه مشکل فرد و جامعه ای را حل می کند. وقتی امت ما، به ویژه نسل جوان از مهم ترین ضروریات غافل هستند؛ آیا صلاح است که ما وقت خود را برای این گونه سؤالات صرف کنیم؟!

قرآن کریم در سوره کهف از جوانمردانی یاد می کند که در اقلیت بودند و چون احساس کردند که در محیط فاسد نمی توانند مکتب خودشان راحفظ کنند؛ از رفاه و لذت های زندگی شهری صرف نظر کردند. و در بیابان ها غاری یافته، به آن جا هجرت نمودند تا دین خود را حفظ کنند.

این نسخه قرآنی، نسخه شفابخش تمام مسلمانانی است که در سرزمین های کفر در اقلیت هستند و تصمیم دارند تا دین خود را حفظ کنند و اگر لازم باشد از منطقه ای به منطقه ای هجرت نموده، هم فکران خود را

شناسایی کنند؛ از در آمدها و رفاه هایی بگذرند؛ ولی تحت تأثیر آن ها قرار نگیرند. قرآن از کسانی که به جای این نسخه شفابخش در فکر آمار و تعداد آن افراد هستند و با هم گفت وگو می کنند که آیا آن جوانمردان، سه نفر، پنج نفر یا هفت نفر بودند، به شدت انتقاد می کند.(۱)

دغدغه ما باید این مسأله باشد که چه کنیم تا سرباز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شویم، نه آن که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خانواده دارد یا ندارد! لابد پس از این سؤال، سؤال های دیگری از این نوع هم پیش می آید؛ مثلاً این که آیا فرزندان ایشان پسرند یا دختر؛ داماد و عروسشان چه کسانی هستند؛ غذایشان چیست؟... درست مثل وقتی که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «سَلْونی قَبْلَ اَنْ تَفْقدِوْنی؛ از من بپرسید تا مرا از دست نداده اید»؛ در این میان کسی پرسید: «تعداد موهای سر من چقدر است؟»

خداوند متعال بعضی از سؤال ها را به گونه ای جواب می دهد که سؤال کننده از سؤال خود شرمنده شود؛ مثلاً از پیغمبر می پرسیدند: چه چیزهایی را انفاق کنیم: «یَسْأَلُونَکَ مَاذَا یُنفِقُونَ» چه چیز یعنی، لباس، غذا، میوه، گوشت یا نان و... اما خداوند به جای این که بفرماید چه چیزی را صدقه بدهید، جواب دیگری می دهد و می فرماید: «هر چه می خواهید، بدهید؛ ولی به پدر و مادر بدهید.» و به جای «چه چیز» به «چه کس» توجه می کند.

۱- کهف (۲۷)، ۲۲.

ما از این شیوه قرآنی استفاده می کنیم که لازم نیست هر سؤالی را جواب بدهیم؛ ولی لازم است جواب ما ارشادی باشد؛ یعنی سؤال کننده به سمت و سوی حق هدایت شود. خوراک، پوشاک یا مسکن مسأله اصلی نیست؛ سؤال اصلی، نوع صدقه نیست؛ بلکه صدقه گیرنده مورد توجه است.

ص:۷۴

۱۷. توجه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دوست داران خود چگونه است؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واسطه فیض پروردگار، پـدر امت و از پـدر هم مهربان تر است. او ما را فراموش نمی کند: «إِنّا غَیرُ مُهْمَلینَ لِمُراعاتِکُمْ و لا ناسینَ لِذِکْرِکُمْ».(۱)

در رابطه با توجه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو نمونه کلی و جزئی اشاره می کنیم:

نمونه اول: در غـدیر خم که پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم، علی بن ابیطالب را به فرمان خدا به امامت منصوب کرد، برخی تعـداد حاضـران در این مراسم را بالای صدهزار نفر و برخی هم زیر صدهزار نفر گفته اند. اگر میانگین صدهزار نفر را در نظر بگیریم و فرض کنیم از هر ده نفر یک نفر به مکه آمـده باشد؛ بنابراین جمعیت مسـلمانان در آن زمان، حداقل یک میلیون نفر بوده است. از این یک میلیون نفر، تنها چهار نفر طرفدار علی بن ابیطالب باقی ماندند و بقیه راه دیگری رفتند. پس، به ازای هر یک نفر که رهبری امیرالمؤمنین علیه السـلام را پذیرفت، ۲۵۰هزار نفر رهبری دیگری را پذیرفتنـد؛ ولی امروز در برابر هر یک نفر شیعه، چهار نفر اهل سنت وجود دارد یعنی یک دویست و پنجاه هزارم به یک چهارم تبدیل شده؛ با وجود این که در طول تاریخ، همیشه

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۷۴.

جمعیت ها، حکومت ها، ثروت ها و تبلیغات در دست دیگران بوده است. حال باید دید چه عاملی می تواند جمعیت مسلمانان را از یک دویست و پنجاه هزارم به یک چهارم برساند. در نماز، روزه، حج، زکات، قرآن و امثال آن، اهل سنت از ما جلوترند؛ پس این رشد شیعه هیچ راز و تحلیلی جز نفس گرم ولیّ خدا ندارد و این نقش جلسه های مناجات، عزاداری، جشن و سوگواری است که شیعه در سایه آن ها این گونه رشد کرده است و از مهم ترین عوامل این رشد، توجه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیعیان است.

نمونه دوم: شب نیمه شعبانی در مدینه بودم. محل مسکونی ما چند طبقه بود که کاروان های متعددی در آن ساکن بودند. به سالن غذاخوری رفتم؛ در هنگام غذا خوردن با خودم گفتم امشب شب نیمه شعبان است، چه خوب است کاری برای امام زمان علیه السلام بکنم. به فکرم افتاد که بروم به طبقه همکف که مغازه های زیادی داشت و از آن جا لباس و هدایایی خریداری کنم، نزد آشپزها ببرم و به مناسبت نیمه شعبان به آن ها عیدی بدهم؛ ولی متوجه شدم که پولم تمام شده است. کمی ناراحت و از خرید هدایا منصرف شدم. دقایقی گذشت، شخصی آمد، کنار من نشست و گفت: «اگر آشپزها از شما تشکر کردند، شما چیزی نگویید.» از او پرسیدم: «دلیل تشکر آشپزها از من چیست؟» گفت: «من در سالن مشغول غذا خوردن بودم، که ناگهان به دلم الهام شد، بروم مغازه های هم کف پیراهن و هدایایی بخرم و به آشپزها هدیه کنم و بگویم که این هدایا را قرائتی به شما داده است؛ زیرا اگر بدانند هدایا از توست، چون مشهور هستی، بیشتر خوشحال می شوند تا بدانند که از

من است. من به نیابت از شـما این کار را کردم؛ پس ممکن است آن ها بیایند و از شـما تشـکر کنند.» من برای حضرت مهدی نیتی کردم و زمانی که معلوم شد پولی در جیب ندارم درست همان زمان به قلب دیگری القا شد و آنچه من می خواستم انجام بـدهم، او انجـام داد. با خود گفتم: «یا حجت بن الحسن! من نه حرفی زدم، نه قـدمی برداشـتم، نه پولی هزینه کردم؛ اما تو این قدر بزرگواری که حتی این مسأله جزئی را به بهترین شکل بدون هیچ دخالتی از ناحیه من، انجام دادی.»

برای هر کسـی در عمرش اتفاقـاتی از این قبیـل می افتـد و انسان متوجه می شود که دست غیبی در کار است که ریز مسائل را می داند و به آن توجه دارد و از هر جهت حمایت می کند.

ص:۷۷

۱۸. معنای این حدیث که می فرماید: «لَوْ لَا الْحُجَهُ لَساخَتِ الْاَرْضُ بِأَهْلِها؛ اگر حجت خدا نباشد، هر آینه زمین اهلش را فرو می برد»؛ چیست؟

۱. معنای این حدیث که می فرماید: «لَوْ لاَ الْحُجَهُ لَساخَتِ الْاَرْضُ بِأَهْلِها؛(۱) اگر حجت خدا نباشد، هر آینه زمین اهلش را فرو می برد»؛ چیست؟

قرآن، هدف هستی را بهره گیری انسان از هستی و طبیعت و هدف آفرینش انسان را عبادت و بندگی او قرار داده است. نمونه و الگوی بندگی و بندگان را که درباره آنان می فرماید: «نِعْمَ الْعَبْدُ»؛(۲) یا «انَّهُ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَیْنِ»؛(۳) اولیا قرار داده است. عبادت ما که نه در آن حضور قلب و نه بسیاری از شرایط دیگر عبادت وجود دارد؛ دارای آن ارزش نیست که هستی برای ما آفریده شود؛ بنابر این اگر جلوه بندگی خدا و عبادت حقیقی نباشد، انسان خلق نمی شد و اگر انسان خلق نشود، هستی خلق نمی شد. این درست مثل آن است که بگوییم اگر تحصیل و تربیت شاگرد نباشد، نظام آموزش و پرورش و وزارت علوم متلاشی می شود؛ چون هدف از این ساختمان سازی ها ادارات، کتابخانه ها، آزمایشگاه ها، مجلات، کتاب ها، تربیت استادها و

ص:۷۸

۱- بحار الانوار، ج۵۷، ص۲۱۳.

۲- ص (۳۸)، ۳۰.

۳- تحریم (۶۶)، ۱۰.

تخصص ها، همه و همه برای تحصیلات نسل نو هست که اگر این نسل نو و تربیت آنان نباشد، همه آن ها لغو خواهد شد.

آری! در اسکناس ها نخی است که اگر آن نخ نباشد، ارزش اسکناس سقوط می کند.

با عنایت به مطالب بیان شده می توان گفت که جهان برای انسان خلق شده است؛ امّا انسان هایی که دارای وزن و اعتباری ویژه نزد خالق می باشند و این ها حجت های خداوند هستند. بدون این حجت ها گویی زمین موجودیت بی محتوایی می یابد. به بیانی دیگر این حجت های الهی بهانه تداوم زمینند.

۱۹. آیا صدقه دادن و هدایای مادی و معنوی برای امامان به خصوص حضرت مهدی علیه السلام اثری دارد؟

آری؛ دعا برای دیگری مؤثر است. قرآن هم به فرزنـدان سـفارش می کنـد که برای والـدین دعا کنید: (وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كمَا رَبَّيَانِی صَغِیرًا).(۱) امـام پـدر انسان است و رهبر الهی، پـدر معنوی ماست. قرآن می فرمایـد: (مِّلَّهَ أَبِیكمْ إِبْرَاهِیمَ)؛(۲) «حضرت ابراهیم پدر شماست»؛ و یا پیامبر فرمود: «اَنَا وُ عَلی اَبوا هذه الْاُمَّهْ»(۳) به والدین هم سفارش شده که در حق فرزندان دعا کنند: (رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلاَهِ وَمِن ذُرِّیَّتِی!)(۴) پس ما باید برای پدران و مادران خود دعا کنیم.

جالب توجه آن که در میان عبادات، نماز از ویژگی خاصـی برخوردار است؛ زیرا در موارد متعددی از قرآن با آن که سخن از عبادات و کارهای خیر به میان می آید؛ اما نام نماز جداگانه برده شده است؛ مثلاً می فرماید: (إِنَّ

ص:۸۰

۱- اسراء (۱۷)، ۲۴.

۲- حج (۲۲)، ۷۸.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۶۱.

۴- ابراهیم (۱۴)، ۴۰.

صَلاَتِی وَنُسُکی)(۱) بـا این که نمـاز جزئی از مناسـک الهی است خداونـد دربـاره آن می فرمایـد: (أَوْحَیْنَـا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاهِ)(۲) یعنی بـا وجود این که نمـاز جزئی از «فِعْـِل خَیراتْ» یا همان کارهای خوب است؛ ولی نام نماز جـداگانه برده شده و این بر اهمیت و ویژگی خاص نماز دلالت می کند.

از سوی دیگر در میان ارکان نماز، سـجده جایگاه ویژه ای دارد تا آن جا که خداوند متعال در آیه آخر سوره علق که خواندن آن، سـجده واجب دارد، به پیامبرش می فرماید: «راه قرب تو به ما سجده است» و در میان سجده ها، امتیاز و ارزش سجده آخر بیشتر است. در آن حالت حساس سـفارش شده است که برای رزق همسر خود دعا کنید و مستحب است که بگوییم: «وَارْزُقْنی وَارْزُقْ عَیالی مِنْ فَضْـلِک»(۳)؛ بنـابر این وقتی در این حـالت حساس، آیا دعا برای رزق همسـر سـفارش شـده است، دعا برای نجات نسل بشـر از انواع ظلم، شـرک، جهل و تفرقه به اندازه رزق همسـر ارزش ندارد؟ این همه روایات که برای صـلوات نقل شـده به خـاطر تـأثیر دعاست. خداونـد متعال در قرآن با کمال صـراحت به همه مؤمنین خطاب می کنـد و می فرمایـد: (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ

ص:۸۱

۱- انعام (۶)، ۱۶۲.

۲- انبیاء (۲۱)، ۷۳.

۳- کافی، ج۲، ص۵۵۱.

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا).(۱)

بر این اساس، اگر صلوات ما برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بی اثر بود، این دستور با این صراحت صادر نمی شد. بر همین اساس دادن صدقه و سایر هدایای مادی و هدایای معنوی برای معصومین و از جمله امام عصر علیه السلام مؤثر است.

۱- احزاب (۳۳)، ۵۶.

۲۰. منتظران ظهور امام زمان علیه السلام چگونه می توانند او را یاری کنند؟

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«وَ اللَّهِ لَأُحِبُّ رِيَاحَكمْ وَ أَرْوَاحَكمْ فَأَعِينُونِی عَلَى ذَلِك بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّ وَلَايَتَنَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ».(۱)

بر اساس این روایت، رعایت پرهیزکای و پارسایی، یاری رساندن به ائمه است.

در حدیثی داریم که با رفتار، گفتار و کردار خود زینت ما باشید و برای ما ننگ نباشید: «کونُوا لَنا زَینا و لا تَکُونُوا عَلَینا شَیناً.»(۲)

در حدیث مفصلی به نقل از امام صادق علیه السلام خطاب به زید شحّام می خوانیم که اگر شما اهل تقوا، و ادای امانت، راستگویی، سجده های طولانی و حسن همجواری باشید، مخالفان خواهند گفت که: اینها جعفری، یعنی شیعیان امام صادق علیه السلام هستند: «اقْرَأْ

۱- کافی، ج۸، ص۲۱۲.

۲- امالی،ص۴۴۰؛ وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۸.

عَلَى مَنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِی مِنْهُمْ وَ يَأْخُذُ بِقَوْلِیَ السَّلَامَ وَ أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْوَرَعِ فِی دِينِكُمْ وَ الِاجْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ طُولِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجِوَارِ فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم أَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَى مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلَيْهَا بَرّاً أَوْ فَاجِراً فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم كَانَ يَأْمُرُ بِأَدَاءِ الْخَيْطِ وَ الْمِخْيَطِ صِلُوا عَشَائِرَكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرِعَ فِی دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسُنَ خُلُقُهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا جَعْفَرِیٌّ؛[(۱)]... حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: «به هر کس از مردم که ببینی از من پیروی کنند و به گفتار من عمل کنند، سلام مرا برسان، و من به شما سفارش کنم که نسبت به خدای عزّوجلّ تقوا داشته باشید، در دین خود پارسا باشید، در راه خدا کوشش کنید و شما را به راستگویی، امانت، طول دادن سجده و نیکی با همسایه سفارش می کنم؛ زیرا محمد صلی الله علیه و آله و سلم همین دستورات را آورده است. هر که به شما امانتی سپرد، آن را به او پس بدهید، چه نیک رفتار باشد، چه بدکردار؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور می داد که سوزن و نخ را نیز

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۳۶.

به صاحبش پس دهید، با فامیل خود پیوند داشته باشید، بر جنازه مرده هایشان حاضر شوید، بیمارانشان را عیادت کنید و حقوقشان را بپردازید؛ زیرا هر کس از شما که در دینش پارسا و راستگو باشد، امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد؛ می گویند: او جعفری است و این مرا شاد می کند و از جانب او شاید در [دل] من آید و می گویند: این روش پسندیده جعفر [بن محمد] است.

در حدیث دیگری می خوانیم که شیعان ما را با سه چیز امتحان کنید:

۱. مواظبت نسبت به نماز اول وقت؛

۲. حفظ اسرار در برابر دشمن؛

۳. مواسات با برادران دینی در اموال: «امْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافَظَتُهُمْ عَلَيْهَا وَ عِنْدَ أَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ عَدُوِّنَا وَ إِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَاسَاتُهُمْ لِإِخْوَانِهِمْ فِيهَا».(۱)

یاری کردن امام زمان و سایر ائمه راه های مختلفی دارد. از جمله:

نام فرزندان خود را به نام آنان بگذاریم؛ سخنان آنان را فرا گیریم و به فرزندان خود بیاموزیم. در شادی آنان شاد و در غم آنان اندوهگین باشیم. از آنان تجلیل کنیم؛ به زیارتشان برویم و یاران آنان را یاری کنیم.

از انجام دادن هر کاری که سبب توهین و تحقیر آنان است، پرهیز و در

۱- وسایل الشیعه، ج۴، ص۱۲.

راه نشر فرهنگ آنان سرمایه گذاری کنیم؛ هجرت کنیم؛ وقت بگذاریم، در راه آنان وقف کنیم؛ در نامگذاری مراکز حساس به نام آن بزرگواران توجه کنیم، به وجود آنان افتخار ورزیم و کارهای شبیه این را انجام دهیم.

از خداوند تشکر کنیم که دست ما را در دست رهبر معصوم گذاشت. راستی! اگر آن بزرگواران نبودند، ما به طور قطع از گمراهان بودیم.

امام صادق علیه السلام به زراره فرمود: «راجع به امام منتظر مسائل گوناگون و تردیدهایی مطرح خواهد شد. اگر آن زمان را درک کردی این دعا را بخوان»: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَک فَإِنَّک إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَک لَمْ أَعْرِفْ نَبِیَّک اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَک فَإِنَّک إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَک لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَک اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَک فَإِنَّک إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَک ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی».(۱)

آری! اگر کسی اعمالش را انجام دهد؛ ولی امام نداشته باشد، بدون امام معصوم راه به جایی نخواهد برد و با همه اعمال خیرش منحرف خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند: «إِنَّ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَهٍ یُجْهِدُ فِیهَا نَفْسَهُ بِلَا إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنَّ سَعْیَهُ غَیْرُ مَشْکورٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَیِّرٌ»(۲).

ص:۸۶

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲- کافی، ج ۱، ص ۴۴۹.

۲۱. چگونه ممکن است امام زمان در کودکی رهبر مسلمانان جهان شود؟

اولاً امـدادهای الهی به سن و سال بسـتگی نـدارد. گاهی یک رادیو کوچک موج دورترین نقطه را می گیرد؛ ولی یک رادیو بزرگ، امواج نزدیـک ترین مکـان را نمی گیرد. فلش کـامپیوتر از فلز سـاخته شـده است و ابعاد آن حـدود یک سانتی متر در چنـد سانتی متر بیشتر نیست؛ اما وقتی به کامپیوتر متصل می شود، پس از چنـد ثانیه چنـدین هزار جلـد کتاب در آن ذخیره می شود. راستی! اگر انسان بتواند در لحظه ای این همه علوم را در فلزی ذخیره کند، که این را انجام داده است، خدای بزرگ بشر نمی تواند تمام علوم امامت را در یک کودک ذخیره سازد؟!

نه تنهـا امام بلکه بعضـی از فرزنـدان امام نیز چنان اطلاعات وسـیعی داشـتند که همه را به تعجب وا می داشـتند. در تاریـخ می خوانیم که جمعی از شیعیان سؤالات زیادی را جهت دریافت پاسخ به منزل امام کاظم علیه السلام بردند. ایشان در خانه حضور نداشـتند. حضـرت فاطمه معصومه علیها السـلام، همه سؤالات را گرفت و به آن ها پاسخ علمی داد. یاران امام در راه برگشت، امام را در کوچه دیدنـد و گفتند: «شـما داخل منزل نبودید، دختر عزیز شـما همه سؤالات ما را مکتوب جواب داد.» امام کاظم علیه السلام پاسخ های نوشته شده دخترش را دید و سه مرتبه فرمود: «فِداها اَبوهُا!، فِداها ابَوُها!،

ص:۸۷

فِداها ابَوُها!».

آری؛ با خاندان رسالت احدی قابل قیاس نیست: «لا یقاس بنا احد».(۱)

در قرآن می خوانیم که حضرت عیسی علیه السلام در کودکی سخن گفت و اعلام کرد: «من پیغمبر خدا هستم... »؛ «إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتَانِیَ الْکتَابَ وَجَعَلَنِی نَبِیًّا»(۲) همچنین حضرت یحیی علیه السلام در کودکی پیامبر شد: (وَآتَیْنَاهُ الْحُکمَ صَبِیًّا).(۳)

همه کارها در برابر قدرت خداوند متعال یکسان است؛ همان گونه که دیدن میخ کوچک و کوه بزرگ برای چشم یکسان است. قدرت نمایی خداوند متعال در کودک و بزرگ یک گونه است. خداوند گاهی به انجیر و زیتون کوچک: «وَالتِّینِ وَالزَّیْتُونِ» و گاهی به خورشید بزرگ «وَ الشَّمْسَ»، قسم می خورد تا بگوید این دو برای من یکسان هستند.

در فرودگاه ها یک ماشین کوچک راهنمای یک هواپیمای غول پیکر می شود؛ همان گونه که یک الماس کوچک خطر رعد و برق را از برج های بزرگ دور می کند.

۱- بحارالانوار، ج۲۲، ص۴۰۶.
۲- مریم، ۳۰.
۳- مریم، ۱۲.

۲۲. آیا الگوی حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و افراد آن قبل از ظهور تحقق می یابد؟

البته در قرآن به بعضی از افراد و گروه ها در زمان هایی، با عبارت های (أُولَئِک هُمُ الْمُهْتَدُونَ)(۱)، (أُوْلَئِک هُمُ الرَّاشِدُونَ)(۲)، (أُوْلَئِک هُمُ الْمُتَّقُونَ)(۳) اشاره کرده و سیمای افرادی را برجسته و قاطعانه مطرح نموده است. این افراد نمونه، در زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت کامل و تشکل یافته، اداره زمین را بر عهده خواهند داشت؛ البته رسیدن به آن مرحله نیازمند تلاش فراوان است که منتظران حقیقی باید خود را برای آن مراحل آماده کنند.

مثلاً اسلام به ما می فرماید که ماه رمضان را روزه بگیرید، شاید باتقوا بشوید: (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ).(۴) این بدان معناست که برای رسیدن به تقوای احتمالی سی روز گرسنگی لازم است. اکنون منتظران برای رسیدن به تقوای قطعی، آن هم جمعی و همیشگی باید چگونه رفتار کنند؟

۱- بقره (۲)، ۱۵۷.

۲- حجرات (۴۹)، ۷.

۳- زمر (۳۹)، ۳۳.

۴- بقره(۲)، ۱۸۳.

بر اساس بعضی روایات کسانی که منتظر امام زمان علیه السلام هستند، باید خود را برای زندگی ساده ای آماده کنند؛ یعنی زندگی خود را روی شمعک بیاورند: «فَالْيَسْتَعْد لِلْفَقْرِ».(۱)

در دعای ماه شعبان المعظم می خوانیم: «خدایا! به من توفیق بده به شکرانه نعمت هایی که دارم، آن گونه به فقرا و محرومین بدهم که با آن ها در یک رده قرار بگیریم؛ «وَ ارزُقْنی مُواساتَ مَنْ قَتَّرتَ علیهِ مِنْ رِزْقِك بِما وَسَّعَت عَلیَّ مِنْ فَضْلِك».(۲)

شاید بخشی از برنامه های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهت اجرای عدالت، گرفتن اموال کسانی باشد که به ناحق پول دار شده اند و نیز تقسیم کردن آن اموال بین فقرا باشد؛ همان گونه که در زندگی حضرت امیر علیه السلام می خوانیم که ایشان در زمان حکومت حتی اسب اسب داران را نیز مشمول زکات دانست و فرمود: «امسال زکات گندم؛ جو؛ گاو و گوسفند برای فقرا کافی نیست و اسب داران نیز باید مبلغی در قالب زکات کمک کنند.»

این نکته امتحانی است از سوی خداوند متعال که در مواردی باید انسان از فراوانی نعمت هم استفاده نکند؛ همان گونه که در قرآن می خوانیم: طالوت که فرمانده منصوب خداوند متعال در لشکر حق بود، به پیروانش گفت: «مَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّى وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّى»(۳)؛ « هر کس از آن

ص:۹۰

۱- بحارالانوار، ج۶۴، ص۲۴۷.

۲- بحارالانوار، ج۸۷، ص۲۰.

۳- بقره(۲)، ۲۴۹.

بخورد از ما نیست و هر کسی نخورد از ماست؛ (إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ).(۱)«البته با کف دست لبی تر کردن جایز است.»

آری! گاهی سفره بیت المال باز است و کسانی که زهد پیشه کردند و از آن کناره گرفتند، حزب الله واقعی هستند: «مَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّی»؛(۲) کسانی که از آن سوء استفاده کردند و برای خود و نزدیکانشان بساط کامیابی راه انداختند، از مدار حق خارجند و در مورد آیه قبل کسانی که آب خوردند از زمره لشکریان حق به دورند. کسانی فقط لبی تر کرده اند، این ها نه جزء «مِنِّی» و نه جزء «فَلَيْسَ مِنِّی»؛(۳) هستند بلکه افراد متوسطی می باشند.

ص:۹۱

۱- بقره (۲)؛ ۲۴۹.

۲- بقره (۲)؛ ۲۴۹.

۳- بقره (۲)؛ ۲۴۹.

۲۳. اگر بخواهیم خود را برای نظام مهدوی آماده کنیم، باید چه نگاهی داشته باشیم؟

امام جهانی، مریـدان جهانی و افکار جهانی لازم دارد. در بیشتر دعاها به ما سـفارش شده که نگاه خود را از شخصـی، فردی و جزئی به افقی بازتر بیفکنیم.

مثلاً ـ حتی اگر به تنهـایی نمـاز می خوانیم بایـد بگوییم: «إِیَّاک نَعْبُـدُ وإِیَّاک نَسْـتَعِینُ»(۱) و حق نـداریم بگـوییم: «إِیَّاک اَعْبُدُ وإِیَّاک اَسْتَعِینُ.» باید بگوییم «اِهدِنا» نه «اِهْدِنی»، باید بگوییم: «اَلسَّلامُ عَلَینا» نه «اَلسَّلامُ عَلَیَّ».

در دعاهـای مـاه رمضـان همه نگـاه ها، نگاه جمعی است؛ چنان که در دعای بعـد از هر نماز در روزهای ماه رمضان، سـفارش شـده که برای همه فقیران، مسـافران، بیمـاران، گرفتاران و قرض داران دعا کنیم. در زکات بایـد هنگام تقسـیم سـهمی را برای جذب دل های ضـعیف، گرچه مسلمان هم نباشند، قرار دهیم تا با احسان و گستردن سفره محبت، آنان را بر سر سفره استدلال بنشانیم و از راه محبت و عاطفه دلایل خود را القا کنیم.

۱- حمد(۱)، ۴.

خداوند متعال در قرآن، با لحن مخصوصی از مظلومیت دختران مشرک که زنده به گور می شدند، سخن گفته و می فرماید: (وَإِذَا الْمَوْؤُودَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ).(۱) کلمه «مَوْؤدَه» به دخترانی گفته می شود که زنـده به گور می شدند. این رسم برخی افراد جاهلی بود که داشتن دختر را ننگ می دانستند. همین که به یکی از آن ها خبر تولـد دختری داده می شـد، از ناراحتی صورتش سیاه می گردید: (إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالأُنثَی ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا)(۲) و با خود فکر می کرد که آیا فرار کنـد: (یَتَوَارَی مِنَ الْقَوْمِ)(۳) و یا با خاری آن دختر را نگه دارد یا زیر خاک پنهانش کند: (أَیُمْسِکهُ عَلَی هُونٍ أَمْ یَدُسُّهُ فِی التُّرَابِ).(۴)

قرآن کریم بـا لحنی ویژه از این جنایت بزرگ که در حق یک دختر مشرک انجام می شـد، به شـدت انتقاد نموه و اعلام می کند که این ظلم در قیامت مورد سؤال قرار می گیرد: (وَإِذَا الْمَوْؤُودَهُ سُـئِلَتْ بِأَیِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ.) وقتی لشکر بنی امیه مرزبانی شهر را برعهـده گرفت، امـام سـجّاد علیه السـلام در حق آنـان دعـا کرد، بـا وجود آنکه آن هـا پیش از آن در واقعه عـاشورا، پـدر، برادران، و بستگانش را آ ن گونه به شـهادت رسانده بودند. دعای امام سـجاد در حق مرزبان در صـحیفه سـجادیه گویای این مطلب است.

۱- تکویر(۸۱)، ۹_۸.

۲- نحل (۱۶)، ۵۸.

۳- نحل (۱۶)، ۵۹.

۴- نحل (۱۶)، ۵۹.

تربیت جمعی به قـدری مهم است که در مسائل اجتماعی، اصل مشورت سـفارش شـده و در مسائل فردی، دعا برای چهل نفر، مقدمه دعا کردن برای خود قرار گرفته و این نوع دعا کردن به استجابت نزدیکتر است.

در قرآن می خوانیم که چرا برای دفاع از مستضـعفین جهان به پا نمی خیزید و جهاد نمی کنید؟ قرآن کریم دفاع از مستضـعف را در همه جای کره زمین لازم می داند.

بنابر احادیث هر کس صدای مظلومی را شنید و قیام نکرد مسلمان نیست. خواه آن مظلوم مسلمان باشد، خواه غیر مسلمان: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا یُنادی یا لَلْمُسلْمین وَ لَمْ یَجِبْه فَلَیسَ بِمْسْلِمٍ».(۱)

امیرالمـؤمنین علیـه السـلام همیـن کـه شـنید زیـور یـک زن غیر مسـلمان بـه سـرقت رفتـه، فرمـود: «اگر انسـانی از غصـه بمیرد، رواست.»(۲) این موارد گویای نگاه جمعی مکتب اسلام است که به پیروان خود درباره همه مردم سفارش کرده است.

ص:۹۴

۱- کافی، ج۲، ص۱۶۴.

۲- نهج البلاغه، ص۹۳.

۲۴. چگونه می توان وعده حکومت جهانی را باور و تقویت نمود؟

در قرآن وعـده های بسـیاری وجود دارد که همه عملی شـده است. خداوند متعال به پیامبرش فرمود: «وَرَفَعْنَا لَک ذِکرَک»؛(۱) «ما نام نیک تو را پرآوازه قرار می دهیم» و این چنین شد.

و آیات دیگر از جمله اینکه «ما جلو مسـخره کنندگان را می گیریم؛ إِنَّا کفَیْنَاك الْمُسْتَهْزِئِینَ».(۲) «ما قرآن را حفظ می کنیم؛ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الـذِّکرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ».(۳) «مسـلمانان پیروزمندانه وارد مسجد الحرام خواهند شد؛ لَتَدْخُلُنَّ مَسْجِدَ الْحَرام»(۴) که تمام این موارد تحقق یافت.

عمـل نکردن به وعـده ها، دلایلی دارد که خداونـد از همه آن ها دور می باشـد؛ مثلاً عمل نکردن به وعـده ها گاهی به خاطر فراموشـی است که ساحت خداوند متعال از فراموشـی به دور است: (وَ ماکانَ رَبُّک نَسـیاً)(۵)و گـاهی به خاطر تحت فشار قرار گرفتن است که البته هیچ چیز نمی تواند

۱- الشرح (۹۴)، ۴.

۲- حجر (۱۵)، ۹۵.

۳- حجر (۱۵)، ۹.

۴- فتح (۴۸)، ۲۷.

۵- مریم(۱۹). ۶۴.

خداونـد متعال را تحت فشار قرار بدهـد و او را عاجز کند. گاهی نیز به خاطر ناتوانی است که خداوند متعال می فرماید: (وَاللّهُ غَالِبٌ).(۱)

آری، هیـچ قـدرتی نمی توانـد مانع اراده خداونـد متعال شود. در قرآن آمـده است که نوح به پسـرش گفت: «خداوند کفار را غرق می کنـد». پسـرش گفت: «من به کوه پناه می برم تا غرق نشوم؛ سَآوِی إِلَی جَبَلٍ یَعْصِمُنِی.»(۲) حضرت نوح فرمود: «کوه هم در برابر قهر خداوند ناتوان است؛ (لاَ عَاصِمَ الْیَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللّهِ إِلاَّ مَن رَّحِمَ)(۳).

بنابراین، با دیـدن نمونه هایی از عمل به وعـده ها، چه در قرآن و چه در روایات ایمان می آوریم که این وعـده خداوند متعال در مورد حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز محقق خواهد شد.

۱- یوسف(۱۲)، ۲۱.

۲- هود (۱۱)، ۴۳

۳- هود (۱۱)، ۴۳

۲۵. چگونه می توان فهمید که ما جزء یاران آن حضرت هستیم؟

بـا توجه به این که اهـداف امام مشـخص شـده است، می توانیم با ارزیابی خود درباره میزان اهتمام ما به اجرای این اهـداف به این سؤال پاسخ دهیم. برخی از این اهداف مهم عبارتند از:

نابودی ظلم و ستم، گسترش عدالت، اقامه دین و مکتب الهی و اجرای احکام خداوند.

می توانیم با نگاهی به زندگی خود ببینیم که در طول عمر خویش، چند بار مقابل ظلم و ستم ایستاده ایم، از رفاه خود گذشته ایم، مستضعفین را یاری کرده ایم، در محو طاغوت و باطل کوشیده ایم؟

در منـاطقی که انقلاب به حقی می شود، آیا از مبارزان و حمایت کننـده ها هستیم یا از ساکتین؟ در مواردی که به گـذشت و ایثـار مـا نیـاز است، آیـا اهـل گـذشت و ایثـار هستیم یـا نه؟ آن جـا که به هجرت نیـاز هست، هجرت می کنیم یـا نه؟ حتی در مواردی که اهل عمل باشـیم باز خطر بدعاقبتی وجود دارد. گروه هایی از یهودیان به انتظار پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سلم به مدینه هجرت کردند؛ چون شـنیده بودند که محل حکومت حضـرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مدینه است؛ ولی در زمان ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با آن که پیامبر را به خوبی می شناختند، ایمان نیاوردند:

(فَلَمَّا جَٓاءهُم مَّا عَرَفُواْ کفَرُواْ بِهِ)؛(۱) یعنی اول اهل عمل شدنـد و مهاجرت هم کردند؛ ولی سـرانجام در امتحان خود شکسـت خوردند.

چه بسـیارند افرادی که در شـرایط ویژه ای قول های زیادی می دهنـد، تعهـدها یا نذرها یا سوگندها و قراردادهایی را با خدای خود می بندنـد؛ امـا در هنگام عمل بـد عاقبت می شونـد! بنابراین، هم می توان خود را در برابر صـحنه هایی که تا کنون پیش آمـده است، ارزیابی کرد و هم می توان در آینده به ارزیابی نشـست. به هر حال اگر در ارزیابی ها، امتحان ها و آزمایش های گذشته موفق بوده ایم نباید گرفتار غرور و عجب شویم که خطر انحراف و بدعاقبت شدن در کمین ماست.

۱- بقره (۲)، ۸۹

۲۶. چگونه روحیه انتظار را در خود تقویت کنیم؟

اگر ما تابلویی از کارنامه و اهداف والای حضرت را ببینیم، حتماً منتظر آن حضرت خواهیم شد.

گوشه ای از کارنامه حضرت، در دعای ندبه وجود دارد که برخی از آن ها عبارتند از:

ـ ریشه ظلم را می کند: «اَینَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَه».

ـ انحرافات و کجی ها را درست می کند: «اَینَ الْمُنْتَظَرُ لِاِقامَهَ الْاَمْتِ وَ اَلْعِوَجْ».

ـ ستم و تجاوز را از بین می برد: «اَینَ الْمُرْتَجی لِازالهِ الْجَوْرِ وَ الْعُدْوانْ».

ـ کتاب و حدود الهی احیا می شود: «اَینَ الْمُؤَمِّلُ لِاِحْیاءِ الْکِتابِ وَ حُدُودِه».

ـ شوکت متجاوزین در هم شکسته می شود: «اَینَ قاصِمُ شَوْکَهِ الْمُعْتَدینْ».

ـ رشته های دروغ و افترا قطع می شود: «اَینَ قاطِعِ حَبائِلِ الْکِذْبِ وَ اَلْاِفْتِراءْ».

ـ اولیای الهی عزیز و دشمنان ذلیل می شوند: «اَینَ مُعِزِّ الْاَولْیاءِ

ص:۹۹

وَ مُذِلَّ الْاَعداءِ».

_ افکار و سخنان متفرقه بر محور تقوا جمع می شود: «اَینَ جامِعُ الْکَلِمَهِ عَلَی التَّقْوی».

با اقدامات آن حضرت، خرافات و پیرایه ها برکنار و شریعت ناب اسلام ظهور می یابد، عدالت واقعی برقرار می شود، کتاب خدا از مهجوریت خارج می گردد و محور گردش امور جامعه قرار می گیرد. از جنایتکاران تاریخ انتقام گرفته می شود و صدها مورد دیگر که در روایات و ادعیه به آنها اشاره شده است.

توجه به این کارنامه و توجه به این که هستی به برکت او پا برجاست، انتظار را در ما شکوفا می کند. انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انتظار همه خوبی هاست و محو همه بدی ها. مگر می شود کسی منتظر ظهور خوبی ها و محو بدی ها نباشد؟

این نوع معرفت و آگاهی، انسان را وادار می کند که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان کسی که این اهداف را محقق می سازد؛ سلام بدهد؛ آن هم سلامی جامع. سلام بر قیامش، سلام بر قعودش، سلام بر رکوعش، سلام بر سجودش، سلام بر قنوتش: «اَلسَّلامُ عَلَیکَ بِجَوامِعِ السَّلامْ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ حینَ تَقوُمَ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ حینَ تَقْعُدْ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ حینَ تَرْکَعُ وَ تَسْجُدُ، السلام عَلَیکْ حَینَ تُصَلّی وَ تَقْنُتْ».(۱)

این معرفت است که انسان را وادار می کند در فراق او اشک بریزد و

۱- مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت آل یاسین.

بگوید: یا مهدی!: «برای من سخت است که همه را ببینم ولی تو را نبینم؛ عَزیزٌ عَلَی اَنْ اَری الْخَلْقَ وَ لَا تُری».(۱)

ای مهدی!: «راهی هست که تو را ملاقات کنم؛ هَلْ اِلَیکَ یابْنَ اَحْمَدَ سَبیلٌ فَتُلقْی»؟(۲)

اگر کسی به این معرفت برسد که ولی خدا هر روز برای ما دعا می کند و ما را از یاد نمی برد و واسطه فیض ماست؛ آن گاه عشق و علاقه اش به آن حضرت زیاد می شود.

۱- مفاتیح الجنان، فرازی از دعای ندبه.

۲- مفاتیح الجنان، فرازی از دعای ندبه.

۲۷. رابطه شب قدر و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

برای اثبات وجود امام زمان، می توان از سوره قدر استفاده کرد. شب قدر در هر سال وجود دارد و هر سال در آن شب، فرشتگان همراه با «روح» که فرشته برتری است، به زمین نازل می شوند. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزول آنان بر شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود. بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باید شخصی حضور داشته باشد که لایق نزول فرشتگان بر او باشد. آن شخص امام معصوم است و در زمان ما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقامی است که شب قدر که از هزار ماه بهتر است، روح و فرشتگان الهی بر او نازل می شود و به این ترتیب میان زمینیان و آسمانیان ارتباط برقرار می شود.

با توجه به این مطلب، امام صادق علیه السلام از آیه «اِنّا اَنْزَلْنا» رهبری امام زمان را ثابت می کند(۱) و می فرماید: آیا هر سال شب قدر نداریم؟ هر سال یک شب قدر داریم. بعد قرآن می فرماید: در شب قدر (تَنَزَّلُ الْمَلَائِکهُ وَالرُّوحُ)(۲) ملائکه و فرشته های خدا از آسمان به زمین می آیند. امام می گوید: فرشتگان در زمان رسول الله بر پیامبر نازل می شدند؛ چون قرآن می گوید: (نَزَّلَهُ

ص:۱۰۲

۱- قدر (۹۷)، ۴.

۲- کافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

عَلی قَلْبِک)(۱) وقتی پیامبر زنده بود، در شب قدر ملائکه بر قلب وی نازل می شدند؛ الآن هم باید شخصی چون پیامبر حضور داشته باشد که شب قدر فرشتگان بر او نازل بشوند. این آیه جز بر وجود حضرت مهدی قابل تطبیق نیست و ائمه ما از آیه «تَنَزَّلُ الْمَلَائِکهُ» برای اثبات وجود مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده کرده اند.(۲)

۱- بقره (۲)، ۹۷.

۲- کلینی، کافی، ج ۱، ص۲۴۹.

۲۸. چرا هنگامی که نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برده می شود، قیام می کنیم؟

ابتدا مقدمه ای را یادآوری کنیم و آن این است که مسأله قیام، همچون نخ تسبیح در تمام دانه های دین جریان دارد.

خداوند هستی (قائِماً بِالقِسْطْ)(۱) است و به پیغمبرش دستور قیام می دهد: (قُمْ فَأَنذِرْ)(۲)

به مردم نیز سفارش قیام می کند: (کونُواْ قَوَّامِینَ بِالْقِسْطِ).(۳)

نزول کتاب های آسمانی برای قیام مردم است: (وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْکتَابَ وَالْمِیزَانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)(۴)

نام رستاخیز نیز قیامت است؛ در نماز هم مسأله قیام مطرح شده است: «اَقیمُوا الصَّلوهْ» در حج نیز قیام مورد توجه است: (قِیَامًا لِّلنَّاسِ)؛(۵) نام امام دوازدهم نیز قائم است. بر این اساس، تعبیر قیام در تمام بدنه دین پاسخ کسانی است که دین را عامل رکود می دانند، نه حرکت.

۱- آل عمران (۳)، ۱۸.

۲- مدثر (۷۴)، ۲.

۳- نساء (۴)، ۱۳۵.

۴- حدید (۵۷)، ۲۵.

۵- مائده (۵)، ۹۷.

اما پاسـخ اینکه: در روایتی از امام رضا علیه السـلام نقل شـده است که وقتی نام مخصوص حضـرت مهدی علیه السـلام آورده شد، امام رضا علیه السلام به احترام آن نام قیام فرمود، با این که هنوز امام زمان علیه السلام متولد نشده بود. شاید قیام ما علاوه بر احترام، نشانه نوعی آماده باش برای ظهور آن حضرت باشد.

ص:۱۰۵

۲۹. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با حضور در یک منطقه چگونه هدایت کل بشر را در دنیا انجام می دهد؟

اصولاً هدایت به حضور فیزیکی نیازی ندارد؛ حتی نیازمند دیدن و شنیدن مستقیم هم نیست. در زمان جنگ صدها هزار جوان به امر امـام خمینی رحمه الله به جبهه رفتنـد در حالی که بیش تر آن ها امام را به طور مسـتقیم ندیـده بودنـد. مگر اویس قرنی، پیـامبر را دیـده بود؟ مگر خود ما که به پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم ایمان آورده ایم، ایشان را دیـده ایم؟ در نقطه مقابل این قضیه، مگر همه کسانی که پیامبر را از نزدیک دیدند، به ایشان ایمان آوردند؟

بنابراین شرط هدایت، حضور فیزیکی و ملاقات از نزدیک نیست؛ بلکه باید یک رابطه معنوی برقرار شود.

روابط معنوی به ملاقات و حضور فیزیکی ربطی نـدارد. مردم از علم دانشـمندانی اسـتفاده می کننـد که آن ها را ندیـده اند. با کمال تأسف، جمعی از مسـلمانان کج اندیش (وهابی ها)، اعتراض می کنند و می گویند شـما در حالی به اولیای خدا متوسـل می شوید که آن ها مرده اند و از مرده کاری ساخته نیست! توسل شما به غیر خدا شرک است. آن ها نمی دانند که ما به جسم ائمه متوسل نمی شویم؛ بلکه توسل ما به مقام و جایگاه آن هاست و مقام آن ها زنده و مرده ندارد. شـعر معروفی است که می گوید: «گر در یمنی چو با

منی پیش منی»؛ یعنی افراد با پیوند معنوی هدایت می شوند.

خداوند در قرآن به یهودیان همزمان با پیامبر می گوید که شما انبیا را کشتید،(۱) در حالی که این کار نیاکان آن ها بود؛ ولی به خاطر این که نسل کنونی از کار گذشتگان خود راضی بودند؛ به همین دلیل خداوند کشتن انبیا را به آن ها نیز نسبت می دهد.

نمونه قرآنی دیگر این است که شتر حضرت صالح را یک نفر کشت؛ ولی بنابر سخن خداوند جمعی او را کشتند. بدیهی است یک نفر شتر را پی کرده و کشته است؛ ولی چون بقیه هم به کشتن آن راضی بودند، خداوند این را به همه آن گروه نسبت می دهد: (فَعَقَرُوهَا)(۲)

نمونه دیگر این که سفارش شده در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان که بگوییم: «اَللّهُمَ الْعَنْ قَتَلَهَ اَمیرَ الْمُؤمِنِین»؛ قَتَلَه جَمْعِ قاتِلْ است. قاتل امیر المؤمنین یک نفر بود؛ ولی ما به جمعی لعنت می فرستیم و این به خاطر پیوند معنوی در این کار است. بر این اساس هرگاه بین هدایت کننده و هدایت شونده نوعی پیوند معنوی برقرار باشد، هدایت صورت می گیرد و این هدایت به حضور فیزیکی نیازی ندارد.

ص:۱۰۷

۱- بقره (۲)، ۹۱.

۲- شعرا (۲۶)، ۱۵۷.

۳۰. آیا در زمان حکومت امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف به هیچ وجه ظلم و ستم نخواهد بود و انحرافی صورت نخواهد گرفت؟

معنـای حکومت حق این نیست که تمـام افراد آن عادل یا معصوم باشـند؛ بلکه ممکن است در آن نظام افراد منحرف نیز وجود داشته باشد و کارهای خلاف هم در آن انجام گردد.

برای مثال در زمان حضـرت سـلیمان علیه السـلام، جمعی به دنبال وسوسه های شیطان بودند آن چنان که برای ایجاد تفرقه بین زن و شوهر ها آموزش سحر و جادو می دیدند! این ماجرا در آیه ۱۰۲ سوره بقره مطرح شده است.

ریشه گناه، هوس های شخصـی است و با حکومت حق، این هوس ها محو نمی شود. تا زمانی که انسان غضب و شـهوت دارد در معرض خلاـف نیز هست. از بعضـی آیـات قرآن می توان اسـتفاده کرد که حتی یهود و نصارا نیز در زمان حضـرت مهـدی علیه السـلام وجود دارند؛ ولی نظام حاکم، نظام مهدوی خواهد بود؛ بنابراین ظهور حضـرت مهدی علیه السـلام به معنای ایجاد عدالت واقعی در وجود تک تک انسان ها نیست.

ص:۱۰۸

۳۱. چرا در عصر غیبت باید به ولی فقیه مراجعه کرد؟

برای گسترش عـدالت اجتمـاعی در جـامعه، لازم است که در تک تک مردم، اعتقاد و ایمان به عـدالت اجتماعی را به وجود آوریم؛ به گونه ای که هر کس در هر کجا و در هر پست و مقام، خود بر پادارنـده عـدالت باشـد. چون در زنـدگی میان منافع افراد تضـادّ و تزاحم هست و قهراً درگیری و نزاع پیش می آیـد و هر یـک از طرفین دعوا یـا خود را صاحب حقّ می دانـد و یا حاضـر نیست از حرفی که زده، دست بر دارد؛ در این جـا خداونـد برای اسـتقرار عـدالت دسـتوراتی به وسـیله پیامبران به مردم ابلاـغ فرموده است: (فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللّهِ وَالرَّسُولِ إِن کنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الاخِرِ)؛(۱) اگر در امری بـا هم نزاع داشتیـد به خـدا و پیامبر رجوع کنیـد... !؛ زیرا این کار نشانه ایمان راستین به خدا و معاد است. از سوی دیگر کسـی که به دسـتورات الهی مراجعه نکند، امور خود را به نظام های طاغوتی ارجاع دهد و از ستمگران توقّع عدالت و قضاوت داشته باشد؛ بایستی جداً در ایمان خود تجدید نظر کند: (أَلَمْ تر إِلَی الَّذِینَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُواْ بِمَا أُنزِلَ إِلَیْک وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِک یُرِیدُونَ

۱- نساء (۴)، ۵۹.

أَن يَتَحَاكَمُواْ إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُواْ أَن يَكْفُرُواْ بِهِ)(۱)؛ آیا ندیدی کسانی که خود را مسلمان می پندارند و به فرمان های الهی که به تو و پیامبران قبل از تو نازل شده است، ایمان دارند؛ ولی در عمل به طاغوت تمایل داشته و نزاع های خود را نزد تو نمی آورند، اینان خیال می کنند که ایمان دارند؛ ولی به واقع مسلمان نیستند؛ زیرا ما به آن ها امر کردیم که سراغ طاغوت نروند و به آن کفر ورزند؛ ولی گوش ندادند.

بر این اساس اقامه عدالت، اگر قالب رفع درگیری میان دو نفر و یا عدالت در گستره اجتماع باشد، مهم است و از جمله هدف رسالت انبیاست؛ چنان که خداوند هدف از فرستادن پیامبران را اقامه عدالت در جامعه می داند: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ).(۲) حال اگر در زمانی حضور داشته باشیم که برای برپایی عدالت نتوان به حضور پیامبر یا امام معصوم رسید؛ بدون شک در این زمان باید به نمایندگان خاصّ امامان و در غیبت کبرا به فقیهان جامع الشرایط (نمایندگان عامّ آنان) مراجعه کنیم؛ چنان که در حدیث آمده است: «اَلعُلَماءُ وَرَثَةُ الانبیاءِ؛(۳) علما، وارثان و جانشینان پیامبران می باشند».

در مواردی که خطر انحراف از مرز عدالت و تجاوز به حقوق یکدیگر

ص:۱۱۰

۱- نساء (۴)، ۶۰.

۲- حدید (۵۷)، ۲۵.

۳- کافی، ج ۱، ص ۳۲.

پیش می آید، باید به علمای عادل مراجعه نمود تا آنان بر اساس حکم خدا فرمان و فتوا دهند.

پرچم اجرای عـدالت بایـد در دست بنـدگان برگزیـده خـدا باشـد. اینان ارکان عـدالت اجتماعی و کلید داران سعادت جامعه هستند.

بر این اساس و بر مبنای روایت های متعدد در زمان غیبت امام، این مسؤولیّت بر عهده فقیهان و اسلام شناسانی است که علاوه بر عـدالت کامـل، لیـاقت، بینش سیاسـی و مـدیریّت، بتواننـد حکم خـدا را از لابه لای آیات قرآن و کلمات پیشوایان معصوم استخراج کنند و البته باید در این زمینه مهارت کافی و تبحّر خاصّی داشته باشند تا بتوان بر آن ها عنوان «فقیه» را نهاد.

در پیامی که از حضرت مهـدی علیه السلام رسیده چنین سفارش شـده است که «واَمّا الحَوادِث الواقِعَهُ فَارجِعُوا فیها إلی رُواهِ حدیثِنا...»(۱) در حوادثی که پیش می آیـد، خودسرانه و عجولانه تصـمیم نگیریـد؛ بلکه به فقیهـان عـادلی که از هوا و هوس دورند، مراجعه کنید تا آنان راه خدا و حکم او را در این زمینه برای شما بیان کنند.

در حـدیث دیگر می خوانیم که «الفُقَهـاءُ امنـاءُ الرُّسُـلِ؛(۲) فقهـا، امین پیامبراننـد.» و بایـد برای اسـتقرار نظـامی عادلانه به آنان مراجعه نمود.

«ابو خدیجه» که یکی از یاران مورد اعتماد امام صادق علیه السلام است، از سوی امام

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۴۸۵.

۲- کافی، ج ۱، ص ۴۶.

مـأمور شـد تا به مردم اعلام کنـد: «اجعَلوا بَینَکم رَجُلًا ممّن قَد عَرَفَ حَلالَنا وَ حَرامَنا فَانّی قَد جَعَلْتُهُ قاضِیاً؛(۱) تنها به شخصی مراجعه کنید که به حلال و حرام ما عمیقاً آگاه باشد. من چنین افرادی را به عنوان قاضی نصب می کنم».

گاهی در جامعه مسایلی پیش می آیـد که حکم صـریح آن در قرآن یا حدیث وجود ندارد؛ ولی خطوط کلّی، معیارها، اصول و قواعد آن در دست فقیه است که فقط او می تواند حکم آن مسأله را به دست آورد.

همان گونه که امام معصوم می تواند احکام و دسـتورات مقطعی صادر کند؛ چنان که حضـرت علی علیه السـلام برای اسب ها زکات و مالیات مقرّر فرمود و چون برای آن مورد سؤال قرار گرفت، بر این اساس که پیامبر بر اسب ها زکات قرار نداد و شـما قرار دادید؛ فرمود:

من بر مؤمنین ولایـت دارم. امسـال که وضعِ اسـتثنایی پیش آمـده است، می توانم از حقّ ولایت خود اسـتفاده کنم و برای تهیّه سرمایه بیش تر برای بیت المال، برای اسب ها نیز زکات تعیین نمایم.(۲)

بر همین مبنا هرگاه جامعه تعادل سیاسـی، اقتصادی یا امنیّتی خود را از دست بدهـد فقیه با ولایت و نظارتی که دارد، می تواند به طور گذرا برای برقراری تعادل فرمان های لازم را صادر کند؛ معاملاتی را تحریم کند؛ دستور

۱- تهذیب، ج ۶، ص ۳۰۳.
۲- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰

بسیج دهد و مالیات هایی را به صورت موقّت اضافه کند.

آیت الله میرزای شیرازی همین که دید اقتصاد کشور از راه تنباکو به دست انگلیس می افتد با فتوای خود مبنی بر تحریم تنباکو راه را بر آن دولت ستمگر بست. امام خمینی قدس سره نیز دستور ترک خدمت و فرار از پادگان های رژیم شاهنشاهی را به سربازان صادر نمود و شاه را از سلطنت خلع کرد.

ص:۱۱۳

۳۲. ویژگی های حکومت امام زمان چیست؟

حکومت امام عصر همانند حکومت انبیا و اولیای الهی است و با تأکید بیش تر و به میزان گسترده تری به اجرای احکام الهی می پردازد. تفاوت این حکومت با حکومت های الهی که در گذشته برپا شده اند، در جهانی بودن آن است؛ به این معنا که موجب اجرای کامل احکام الهی در سرتا سر گیتی می گردد. به هر روی ویژگی های حکومت مهدوی عبارتند از:

۱. احیای فرهنگ قرآن

اولین اقدام آن حضرت پس از استقرار حکومت، تشکیل کلاس های قرآن و با نتیجه ترویج فرهنگ قرآنی است: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا تالِی کتابِ اللهِ وَ تَرَجْمُانَهْ.»(۱)

۲. وفور نعمت های آسمانی و زمینی

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام : «إِذا قامَ القائِمَ علیه السلام حَکمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فی أَیَّامِهِ الْجَوْرِ وَ آمَنَتْ بهَ السُّبُلُ وَ أَخَرْجَتِ الْارضُ بَرکاتِها؛ وقتی قائم

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.

قیام کند، بر اساس عدالت حکومت می کند و در زمان او ستم از بین می رود و راهها امنیت می یابد و برکات زمین استخراج می گردد.»(۱)

در زمان حکومت آن حضرت، آب ها و سرچشمه ها فراوان و محصولات چند برابر می شوند:

قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام : «تُخْرِجُ الْاَرضَ نَبَتَها وَ تَنْزِلُ السَّماءُ بَرکتَها وَ تُظْهِرُ لَهْ الْکنوزُ.»(۲)

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام : «فَلا یَبْقی فِی الْاَرْضِ خَرابٌ إلَّا قَدْ عَمَرْ.»(۳)

۳. اقامه نماز

از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه

(الَّذِینَ إنْ مَکنّاهُمْ فِی الارْضِ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّکاهَ)(۴) سؤال کردند؛ حضرت در پاسخ فرمودند: «فَهذِهِ لِآلَ مُحَمَّدٍ صَلیَّ اللهُ عَلَیْهِم إلی آخِرِ الْائِمَهَ وَ اَلْمَهْدی وَ أَصْحابِهِ یملکهمُ اللهُ مَشارِقَ الْاَرْضَ و مَغارِبَهَا وَ یُظْهِرَ بِهِ الدّینِ و یُمیتْ اللهُ بِهِ

ص:۱۱۵

۱- إرشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰.

۴- حج، ۴۱.

و بِأَصْحابِهِ الْبِدَعَ وَ اَلْباطِلَ کما أَماتَ السُّفَهاءِ الْحَقَّ حَتی لا یَری أَیْنَ الظَّلْمْ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکر.»(۱)

امام علیه السلام فرمود: برنامه مهدی ما وقتی که می آید، این چهار موضوع است:

الف) اقامه نماز

در زیارت آل یاسین به این مطلب اشاره شده است: «اَلسَّلامُ عَلَیْک حینَ تُصَّلیّ.»(۲) وقتی که نماز تا این اندازه مهم است که در زیارت حضرت به آن اشاره می شود، در برنامه های مهدوی از اهتمام ویژه ای برخوردار است.

ب) پرداخت زکات

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانع الزکات را می کشد.

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام : «دَمانِ فِی الْإِسْلامِ حَلالٌ مِنَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ لا یَقْضی فیهِما أَحَدٌ بِحُکمِ اللهِ حَتّی یَبْعَثَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ القَائِمَ مِنْ أَهلِ اَلبیتِ علیه السلام فیَحْکمُ فِیهِما بِحُکمِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ لا یُریدُ عَلی ذلِک بَینه الزّانی اَلْمُحْصِنُ یرجمه وَ مانِعُ الزَّکاه یَضْرِبُ رَقَبَتَهُ.»(۳)

ص:۱۱۶

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱.

ج) تقویت توان علمی

تقویت توان علمی جامعه از جمله برنامه های حکومت مهدوی است. منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید عاشق علم و دانش و در تمام رشته های علمی ممتاز باشند.

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام : «اَلْعِلْمُ سَبْعَةٌ و عَشِرُوْنَ حَرْفَاً فَجَمِیعُ ما جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفانِ فَلَمْ یَعْرِفْ النّاسَ حَتَّی الْیَوْمَ غَیْرَ الْحَرفَیْنِ فَإذا قامَ قائِمَنا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ اَلْعِشْرینِ حَرْفَاً فَبَثَها فِی النّاس وَ ضَمَّ إِلَیَهْا الْحَرْفَیْنِ حَتَّی یَبُثُّها سَبْعَةَ و عِشْرینَ حَرْفاً؛(۱) مجموعه علوم بیست وهفت حرف است که تاکنون فقط دوحرف آن به وسیله انبیاء الهی شناخته شده است؛ در نتیجه هنگامی که قائم آل محمد قیام کند بیست وپنج باب دیگر از علوم (به برکت او) شناخته خواهد شد و در میان مردم گسترش خواهد یافت و جامعه از مجموعه بیست وهفت حرف علم آگاهی خواهد داشت.»

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام : «کَأَنَّنی بِدینِکمْ هَذا لا یَزالُ مُتَخَضْخِضاً یَفْحَصُ بِدَمِهِ(۲) ثُمَّ لا یَرِدُهُ عَلَیْکمْ إِلّا

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲- به نظر می آید امام علیه السلام دین را به سربازی که به جنگ پشت کرده و در اثر زخمهای فراوان در خون خود دست و پا می زند تشبیه فرموده است و در این مقام بیان ناکارامدبودن غیر امام معصوم در مدیریت دینی و مذهبی جامعه است.

رَجُلٌ مِنّا أَهْلَ البَیتِ فَیُعطیکمْ فی السَّنَهِ عَطاءَیْنِ وَ یَرْزِقُکمْ فی الشَّهرِ رِزْقَیْنِ وَ تُؤتوْنَ الْحِکمهَ فی زَمانِهِ حَتّی أنَّ الْمَرَأهْ لَتَقَضْی فی بَیْتِها بِکتابِ اللهِ تَعالی وَ سُنّهِ رَسُول اِللهِ صلی الله علیه و آله و سلم ؛(۱)

گوئی می بینم که دین در میان خونی که برایش ریخته می شود، در حرکت است و دست و پا می زند و هیچ شخصی نمی تواند آن را برای شما باز گرداند، مگر مردی از ما اهل بیت که در هنگام امامت او هر سال دو بار بر شما بخشش خواهد شد و در هر ماه دو نوع روزی بر شما خواهد رسید و در دوران ظهور اوست که حکمت به شما داده خواهد شد تا آنجا که زن در خانه خود نشسته و در اثر افزایش بینش و بصیرت دینی جامعه و گسترش معارف اسلامی بر اساس کتاب خدا و سنّت رسول خدا قضاوت خواهد کرد» پیشرفت علم در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اندازه ای است که زنان در خانه ها بر اساس قرآن و حدیث قضاوت می کنند.

د) مقاومت و تلاش

از امام باقر علیه السلام سؤال کردند که آیا با ظهور مهدی کارها خود به خود درست می شود؟ فرمود: «اگر چنین بود پیشانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی شکافت و دندانش نمی شکست» «وَ الَّذی نَفْسی بِیَدِه حَتّی

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۳۸.

نُمْسِحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمُ الْعَرَقَ و الْعَلَقَ ثُمَّ مَسْحَ جَبْهَتَه.»(۱)

از این حدیث چنین برمی آید که استقرار حاکمیت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف حتی با ظهور آن حضرت به تلاش و کوشش نیاز دارد.

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۸۴.

۳۳. ویژگی ها ی یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

یاران امام زمان ویژگی های خاصی دارند که مهم ترین آن ها عبارتند از:

شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً.»(۱)

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام : «لا یَکونُ الْعَبْدُ مُومِناً حَتَّی یَعْرِفَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الائِمَّهَ کلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ؛ بنده خدا مؤمن نخواهد بود، مگر این که خداوند متعال، رسول او تمام اهل بیت او به ویژه امام زمانش را بشناسد.»(۲)

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام : «کلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِعِبَادَهٍ یُجْهِدُ فِیهَا نَفْسَهُ وَ لا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعْیُهُ غَیْرُ مَقْبُولٍ؛ هر آن که نفس خود را برای عبادت خداوند متعال به تلاش وکوشش وا دارد، در حالی که امامی از سوی خداوند متعال برای خویش برنگزیده باشد؛ عمل او به درگاه الهی پذیرفته

ص:۱۲۰

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۸۰ .

نمی شود.»(۱)

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام : «ذِرْوَهُ الامْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الاشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ تَبارَك وَ تَعَالَی الطَّاعَهُ لِلامَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ؛ بالاترین و گوارا ترین مرحله برای وجود انسان که بازکننده درهای امور است، رضایت خداوند متعال به اطاعت از امام، سپس از شناخت اوست.»(۲)

داشتن اخلاق نیکو

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام : «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكونَ مِنْ أَصْحابِ الْقائمْ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحاسِنِ الْاَخْلاقْ.»(۳)

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الْأَرْضِ)(۴)

«والذين يُمَسِّكون بِالْكتابِ وَاَقامُوا الصَّلوهَ اَنّاَ لانُضيعُ اَجْرَ الْمُصْلِحينَ.»(۵)

ص:۱۲۱

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

۴- نور (۲۴)، ۵۵.

۵- اعراف (۷)، ۱۷۰.

اطاعت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام : «ذِرْوَهُ الامْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الاشْیَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ تَبارَک وَ تَعَالَی الطَّاعَهُ لِلامَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ.»(۱)

ص:۱۲۲

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۸۵..

۳۴. چه عواملی موجب ظهور امام زمان می شود؟

ظهور امام زمان به زمینه و شرایط مناسب نیاز دارد. چنانچه این زمینه فراهم شود، امام زمان نیز ظهور خواهد کرد. بررسی تاریخ پیامبران نشان می دهد که مردم در تحقق زمینه ظهور و اصل آن نقش قابل توجهی دارند. پیامبران زمانی موفق می شدند که اصحاب آنان هم فداکاری می کردند. حضرت مهدی وقتی ظهور می کند، دارای بیان و معجزه های ویژه ای است، وقتی مردم این معجزه ها را می بینند، تمام افراد قدرتمند و لایق، خود، به همراه همه امکانات خویش با امام اعلام همبستگی می کنند. برای بعضی این سؤال ایجاد می شود که امام زمان در برابر بمب های اتمی و خوشه ای و سلاح هایی از این دست چه می کند؟ فرض کنید که الآن ما تانک و توپ بسیار فراوانی داریم؛ این تانک ها و توپ ها در مقابل نیروهای دیگران و دنیا چه می تواند بکند؟ وقتی حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند، افراد زیادی صدای اورا می شنوند، بیان و هدفش را می بینند، با ایشان اعلام همبستگی می کنند و تمام قدرت هایشان را در اختیار امام می گذارند. از سوی دیگر، در روایات آمده است: «نَصَرَهُ بِالرُّعْبِ؛ در دل دشمنان ترس قرار می دهد.»

ص:۱۲۳

در قرآن کریم آمـده است: (سَـنُلْقی فی قُلُوبِ الَّذینَ کفَرُوا الرُّعْبَ)(۱)؛ دشـمنان به وحشت می افتند نمونه بسـیار کوچک این مسـأله در انقلاب اسـلامی ایران و جنگ تحمیلی ایجاد شـد. چه کسـی باور می کنـد آمریکا از ایران بترسـد؟ چه کسـی مسأله امـدادهای غیبی را باور می کنـد؟ ما در جبهه جنگ شاهـد امـدادهای غیبی فراوانی بودیم. کسانی را دیـدیم که مهندس تعمیر تانک ها بودند؛ از ارتش عراق فرار کردند؛ به سوسـنگرد آمدند و تانک های ایران را تعمیر کردند. این همبستگی نوعی عمل خارق العاده است.

مـن خـودم افرادی را دیـدم کـه نیروی دشـمن بـود، ولی الآـن در اختیـار ملـت مـاست. همیـن ارتش در اوایـل انقلاـب مگر به جمهوری اسـلامی اعلام همبستگی نکرد؟ خودش را با تانک و توپ و تمام تخصصش در اختیار انقلاب گذاشت. شبیه کاری را که ارتش ما نسـبت به رهبر انقلاب کرد، ارتش دنیا و بسـیاری از قدرتمندان و توانمندان آن نسـبت به حضـرت مهدی علیه السـلام انجام خواهنـد داد، به طوری که خود را با تمام امکانات در اختیار حضـرت مهدی قرار می دهند و ما به این مسأله امید داریم و باید به امام توجه ویژه داشته باشیم؛ چنانچه امام نیز به ما توجه دارد.

۱- آل عمران (۳)، ۱۵۱.

۳۵. منظور از ملاقات امام در حج چیست؟

عرضه شدن بر امام، خود از جمله برکات و درس های مکه است؛ چنانچه حدیث آمده است: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ»(۱)؛ یعنی حج کسی پذیرفته می شود که آن جا با رهبر آسمانی در ارتباط باشد. اگر نخ نباشد، میلیون ها دانه، تسبیح نمی شوند. اگر سد نباشد میلیاردها قطره آب، برق تولید نمی کند. با وجود این همه مسلمان کمبود چیست؟ اصولًا در عربستان سعودی کمبود چیست؟ در آنجا که این همه نماز جماعت و حج وجود دارد؛ ولی کمبود بزرگ آن، نبود یک رهبر آسمانی است. اگر کشور سعودی به نصّ قرآن عمل کند، مشکلات مسلمانان برطرف خواهد شد.

اگر مسلمان ها به قرآن عمل کنند: (وَ لا تُطيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفينَ)(۲)؛ هیچ اسراف کاری نباید رهبر بشود. آیا حاکمان کشورهای اسلامی اسرافکار نیستند: (وَ لا تَتَّبِعْ سَبيلَ الْمُفْسِدينَ)(۳). قرآن می گوید فرد فاسد نباید رهبر شود: (وَ لا تَتَّبِعُوا أَهْواءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ)(۴) کسانی که

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۲- شعراء (۲۶)، ۱۵۱.

۳- اعراف (۷)، ۱۴۲.

۴- مائده (۵)، ۷۷.

سابقه خرابی دارند، نباید رهبر شوند؛ افراد جاهل نباید سردمدار شوند. با نگاهی گذرا به سردمداران کشورهای اسلامی آنچه ملاحظه می کنیم، خلاف نکات قرآنی است که در مورد بایسته های رهبری و حاکم جامعه عنوان شد.

(فَاسْتَوی عَلی سُوقِهِ)(۱) قرآن می گوید: جامعه اسلامی باید روی پای خودش بایستد: (وَ لا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِماً أَوْ کفُوراً)(۲) گنهکار و کافر نباید رهبر شود. اصل اول رشد ما، مکتب بود و اصل دوم رهبری بود. امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنَّمَا أُمِرَ النَّاسُ أَنْ یَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَیَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ یَأْتُونَا فَیُخْبِرُونَا بِوَلَایَتِهِمْ وَ یَعْرِضُوا عَلَیْنَا نَصْرَهُمْ»(۳). خدا فرمان داده است که به مکه بیایید و دور این سنگ ها بچرخید: «فَیَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ یَأْتُونَا فَیُخْبِرُونَا بِوَلَایَتِهِمْ وَ یَعْرِضُوا عَلَیْنَا نَصْرَهُمْ.» بنابر سخن خداوند یکی از اسرار، فلسفه ها و آثار رفتن به مکه این است که دور مکه بچرخید تا در آن جا امام را ببینیم و با او ملاقات کنیم. مکه وعده گاه امت با امام است. آن جا حسینیه جماران کشورهای اسلامی و وعده با امام است: «وَ یَعْرِضُوا عَلَیْنَا نَصْرَهُمْ» در آن جا همه باید بگویند: «آقا! همه ما با توهستیم»؛ با امام بیعت کنند و قدرت ها و امکاناتشان را

۱- فتح (۴۸)، ۲۹.

۲- دهر (۷۶)، ۲۴.

۳- کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

بسـنجند و در اختیار امام قرار بگیرنـد. آیا رهبر مقتـدری نیست که این نیروها را بسـیج کنـد و کفر جهانی را بکوبد؟!. البته که هست! انشاءالله حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به همین کعبه تکیه می دهـد؛ نیروهای لایق را دور خود جمع و کفر را سرنگون می کند.

ص:۱۲۷

۳۶. امام زمان چگونه ناظر اعمال ماست؟

بر اساس روایاتی که در اصول کافی آمده است کارهای ما به حضرت مهدی عرضه می شود. بنابر آیات قرآن عمل ما را خدا و رسول خدا می داند؛ مومنین هم می دانند. در چندین روایات آمده است که کارهای شما به پیامبر خدا و به امام زمان علیه السلام عرضه می شود. اگر اشتباهی بکنیم و بدانیم که از اشتباه ما فیلم برداری کردند؛ اگر حرف چرندو پرندی بزنیم و بدانیم این حرف ضبط شده و می خواهند حرف ما را خدمت رهبر انقلاب ببرند و پخش کنند؛ اصلًا دیگر خوابمان نمی برد و فکر می کنیم باید از این مملکت فرار کنیم. اگر بدانیم یکی از حرف های ما لو رفته است، یا مثلاً- کاری کردیم که در حال ارتکاب آن کار، عکس ما را گرفته اند، از ترس رنگ در صورتمان نخواهد ماند. در اصول کافی آمده است که تمام کارهای مسلمان، چه خوب و چه بد، خدمت حضرت مهدی می رسد؛ پس حالا که حضرت مهدی کارهای شما را می داند حداقل خجالت بکشید و سعی کنید خلافی انجام ندهید. حداقل روزی، یا چند روز یک بار به ایشان توجهی داشته باشید: «اَلسَّلامَ عَلَیْکَ یا بَقَیَّهَ اللهِ فی أرضه» او هم خیلی ناراحت است. اگر در فیلمی ببینید که چند نفر اسرائیلی بر سر یک فلسطینی آزادی خواه مسلمان ریخته و با سنگ استخوان بازوی او را می شکنند،

ص:۱۲۸

هرحالی که پیدا کنید، میلیون برابر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مصداق دارد؛ چرا که غیرت او خدایی است.

یک روز به علی بن ابی طالب گفتند: «لشکر کفر به خانه یک نفر غیر مسلمان ریخته و طلاهای زن خانه را کنده و برده است.» حضرت فرمود: «اگر مسلمان از غصه بمیرد، جا دارد». در حالی که آن زن مسلمان نبوده اما چون در کشور اسلامی زندگی می کند، کسی حق ندارد به خانه او بریزد و با او چنین رفتاری داشته باشد بنابراین جای آن را دارد که مسلمان غیرتمند از شنیدن آن از غصه بمیرد.

ص:۱۲۹

۳۷. شرایط ظهور امام زمان چیست؟

برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سه چیز لازم است. در قرآن بیش از صد آیه داریم درباره این که اسلام دنیا را فرا می گیرد: (لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّه)(۱) که کوچک ترین آن ها این آیه است که: یعنی اسلام دنیا را فرا می گیرد. برای این امر به سه چیز نیاز داریم: ۱. وجود یک رهبر جهانی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ ۲. قانون جهانی که قانون قرآن است؛ ۳. آمادگی جهانی که فعلاً وجود ندارد. جامعه ای که منتظر مصلح است باید انسان های صالحی داشته باشد. نمی شود انسان منتظر مصلح باشد؛ ولی خود صالح نباشد نمی توان صبر کرد تا امام زمان، خودش، بیاید و امور را اصلاح کند مثلاً ما منتظر خورشید هستیم؛ اما شب هم خودمان چراغ روشن می کنیم. هم منتظر امام باشیم و هم خودمان در زمینه انتظار و اصلاح امور تلاش کنیم.

بعضی فکر می کنند که اگر کسی قبل از قیام امام زمان، حرکت و یا نهضتی کند، اشتباه است. این روایات در مورد کسی است که قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام کند و مردم را به سوی خودش دعوت کند؛ در این صورت قیامش باطل و خودش نیز طاغوت است؛ اما اگر کسی قیام کند تا

۱- توبه (۹)، ۳۳.

زمینه برای حضرت مهدی فراهم شود، این قیام باطل نیست. ما در قرآن داریم که با ظالم مبارزه کن؛ اگر این طور باشد پس احادیث مربوط به قیام علیه ظلم باطل می شود؟ نمی توان پشت این تفکر مخفی شد که امام خودش می آید و همه امور را درست می کند؛ پس این همه آیات درباره دفاع از مظلوم برای چیست؟ دفاع از مظلوم، در دهان ظلم کوبیدن، نهی از منکر، اجرای حدود اسلامی، دفاع؛ مگر می توان قرآن را تعطیل کرد، تا خود آقا بیاید. اگر حدیثی دیدید که می گوید: تکان نخورید؛ آقا می آید و همه چیز را درست می کند، بدانید که این حدیث را باید به دیوار کوبید؛ چون این حدیث با آیات قرآن یکسان نیست. قرآن تأکید می کند: «با ظالم بجنگ و از مظلوم حمایت کن.» بدون شک برخی افراد و سردمداران طاغوتی می خواستند مردم را برده خودشان کنند بنابراین به عده ای وابسته به دربار طاغوت پول می دادند تا این حدیث های جعلی به دروغ را بسازند. حدیث داریم که می گوید: از امیر اطاعت کن، گرچه معصیت کرده باشد! نمی توانم بگویم منبع این احادیث در چه کتابی است. این حدیث ها را باید آتش زد. بنابر احادیث مستند و معتبر اسلامی باید حدیثی را که ضد قرآن است به دیوار کوبید و مغز کسی را هم که آن حدیث را گفته، می توان به دیوار زد. با کدام عقل سلیم باید باور کرد که قبل از قیام مهدی نباید قیام کنیم و بگذاریم امیر و حکومت طاغوت هرکاری می خواهد، انجام دهد! قرآن می گوید: (لا

تُطِعْ مِنْهُمْ آثِماً أَوْ كفُورا؛(۱) از کسی که گناه می کند، اطاعت نکن»! وقتی قرآن می گوید: از آدم فاسد اطاعت نکن و در حدیث جعلی آمده است که اطاعت بکن؛ بنابراین باید این حدیث ها را به دیوار کوبید و از بین برد. مؤید این مطلب قیام زید است. زید، پسر امام سجاد علیه السلام قیام کرد و امامان ما نیز از او حمایت کردند. گاهی ائمه خود، می فرمودند که برو با طاغوت بجنگ، خرج تو را می دهم؛ زیرا صلاح نیست که من بیایم. من وقتی می آیم باید حکومت حسابی تشکیل بدهم که آن شرایط آماده نیست؛ اما برای این که یک سیلی بزنیم، مثلاً تو جلو برو. بنابراین قیام قبل از ظهور می تواند خاستگاهی برای ظهور باشد و زمینه ظهور را فراهم کند.

۱- انسان (۷۶)، ۲۴.

۳۸. وقتی امام زمان بیاید، چه اتفاقی روی خواهد داد؟

ظهور امام زمان اتفاقات مختلفی را به دنبال خواهد داشت که می توان از جمله آنها به موارد زیر اشاره کرد:

الف) با آمدن امام زمان مردم رشد عقلی پیدا می کنند؛

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمُلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ(۱)؛ امام که بیاید دستی روی سر مردم بکشد، مردم رشد عقلی پیدا می کنند.» به قدری مردم رشد می کنند که طبق آنچه در روایات آمده است: «تُؤْتَوْنَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم »(۲) یعنی زن ها در خانه قدرت قضاوت پیدا می کنند.

به نظر می آید در سایه این رشد عقلی، قدرت جسمی هم می یابند. ایمان طرفداران امام مثل آهن سخت و محکم می شود. یک نفر از آن ها با

ص:۱۳۳

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

چهل نفر طرف می شود. آدم ضعیف و سست اراده نمی تواند یار امام زمان باشد، ممکن است پیر باشد؛ ولی دارای اراده قوی خواهد بود.

ب) امـام زمـان عصاره انبیا است. امام صادق علیه السـلام می فرمایـد: «امام زمان به مکه تشـریف می آورد و به کعبه تکیه می دهد و می فرماید: هرکس می خواهد حضـرت آدم را ببیند، مرا ببیند و هرکس هریک از اولیا را می خواهد ببیند، مرا ببیند که من عصاره انبیا هستم.»

ج) امـام زمان که ظهور کنـد، مردم با هم مهربان می شونـد: «تمشـی المرأه بین العراق و الشام...(۱)؛ یـک زن بین عراق و شام مسافرتی طولانی می کند در حالی که هیچ مزاحمتی برای او ایجاد نخواهد شد».

ص:۱۳۴

۱- تحف العقول، ص ۱۱۵.

۳۹. رضایت امام زمان از چه راهی به دست می آید؟

رضایت امام زمان از منتظران، موجب خشنودی خداوند متعال از ایشان می گردد. اهتمام به جلب رضایت امام زمان از عمکلرد رهپویان ولایت، همواره موجب توجه ایشان قرار گرفته است آن چنان که حتی در اوج جهاد در راه خدا و جانفشانی برای امام از آن غافل نبوده اند؛ برای مثال بعضی از یاران امام حسین علیه السلام وقتی روز عاشورا به زمین می افتادند و امام سر آن ها را به دامن خود می گرفت، آنان خطاب به حضرت می گفتند: «أَرْضَيْتَ عَنِّي(۱)؛ آیا از من راضی شدی؟» پس به نظر می رسد که سؤال بسیار مهمی است. حال باید این نکته را پرسید:

چه کارهایی موجب خوشنودی و رضایت امام زمان علیه السلام است؟ بر اساس قرآن کریم و روایات، چند عامل رضایت امام زمان را به دنبال دارد:

اول: ابتدا باید خدا و پیامبر او را از خودمان راضی کنیم. قرآن می فرماید: (وَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوهُ)(۲)؛ خدا و رسولش ذی حق تر و سزاوارتر هستند که ما آن ها را راضی کنیم.» و اگر آن ها از ما راضی شدند، امام زمان

۱- بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۹۷.

۲- توبه (۹)، ۶۲.

هم راضـی می شـود. قرآن می فرمایـد: (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ)(۱)؛ خـدا از آن ها راضـی است و آن ها از خـدا راضـی هسـتند». بررسـی قرآن کریم نشـان می دهـد رضـایت منـدی انسـان از خداونـد متعال، او را در مسـیر خشوع و خضوع در برابر پروردگار عالم قرار می دهـد. قرآن پس از «رضـی اللّه»، می فرمایـد: (ذلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ)(۲) بر این اسـاس، تقوا و ترس از خدا موجب رضایت او می شود؛ در نتیجه تقوا عاملی مهم برای جلب رضایت خداوند متعال است. به همین مناسبت در حدیث آمده است: «هرکس منتظر امام زمان علیه السلام است، باید تقوا و ورع پیشه کند».

بنابراین افراد مجرم و گنه کار نمی توانند منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشـند. کسـی که منتظر مصـلح است، باید خود نیز فرد صالحی باشد.

دوم: همـان طور که امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف سـفارش فرموده است در زمان غیبت او از مجتهـد باتقوا و عادل اطاعت کنیم.

سـوم: برای رضـایت آن حضـرت علیه السـلام روزی حلال به دست آوریم بر شـخص منتظر لازم و واجب است که مخارج زنـدگی اش حلال و پاك باشد. برای داشـتن روزی حلال، پرداخت حقوق واجب شـرعی مانند خمس لازم است؛ چرا که این امر موجب پشتیبانی از ترویج معارف اسـلامی به ویژه مهدویت و معرفت به امام عصر علیه السلام در دنیای اسلام خواهد شد و می تواند جامعه اسلامی را از محرومیت فرهنگی نجات دهد.

۱- مائده (۵)، ۱۱۹.

۲- بینه (۹۸)، ۸.

افزایش معرفت نسبت به امام زمان وظیفه ای است که غفلت از آن، به سطحی نگری نسبت به مهدویت می انجامد و به نوعی این آموزه را به سوی عوام گرایی می برد و از کارکرد واقعی آن دور می کند.

چهارم: توجه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از راه ادعیه و زیارات، به ویژه دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد، دعای معرفت و دعای غریق می باشد که احادیث هم به انس و الفت با این دعاها در عصر غیبت سفارش شده است.

خواندن دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف «اللَّهُمَّ کنْ لِوَلِیِّک الْحُجّه بن الحسن صَلَواتُک عَلَیْهِ وَ عَلی آبائه فِی هَذِهِ السَّاعَهِ وَ فِی کلِّ سَاعَهٍ وَلِیّاً وَ حَافِظاً و قائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِیلًا وَ عَیْناً حَتَّی تُسْکنَهُ أَرْضَک طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِیهَا طَوِیلًا» که از جمله دعاهای وارده برای ظهور است و بسیار مطلوب می باشد.

پنجم: رعایت تقوای الهی نیز رضایت امام زمان، را به دنبال دارد چرا که عدم رعایت تقوا به منزله نداشتن عمل است. خداوند در این باره می فرماید: «قالَ إِنَّما یَتَقَبَّل اللهُ مِنَ المُتَّقینَ؛ هر آینه خداوند از متقین عمل خوب را می پذیرد.»؛ بنابراین نمی توان انتظار داشت فردی که تقوا ندارد، توانایی جلب رضایت امام زمان را داشته باشد.

برای ارزیابی تقوا می توان آثار آن را در عبادات و مثلاً در روزه هایی که گرفته شده، بررسی نمود. اگر به احترام ماه رمضان کم تر ناسزا گفتیم کم تر

ص:۱۳۷

غیبت کردیم، راحت تر از گناه چشم پوشیدیم، بدون شک تقوای موجود در ماه رمضان بر ما اثر گذاشته است. چنین عملی باتقوا معتبر می گردد و در قیامت از سوی خداوند خریداری می شود.

همان طور که در دنیا کالای استاندارد معتبر و قابل مصرف است؛ در قیامت هم عملی که از روی تقوا انجام شده باشد، پذیرفته می گردد.

از مصداق های مهم رعایت پرهیزگاری، پرهیز از حق الناس است؛ بنابراین بر منتظران راستین ظهورلازم است از موانع رضایت امام زمان، مانند حق الناس پرهیز نموده، از آن دوری نمایند.

ص:۱۳۸

۴۰. امام زمان در بقای هستی چه نقشی دارد؟

در پاسخ به این سؤال در روایات آمده است: «لَولَا الْحُجَّهَ لَساخَت الْارضُ بِاَهْلِها؛ اگر حجت خدا در زمین نباشد، زمین اهلش را در کام خود فرو می برد.» خداوند آیاتی از قرآن کریم می فرماید: «خَلَقَ لَکمْ»؛ «سَخَّرَ لَکمْ»؛ (خَلَقَ لَکم مَّا فِی الأَرْضِ جَمِیعاً).(۱) این در حالی است که بر اساس روایات و آیات گناه و ظلم، عامل کیفرهای الهی در دنیا است؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: (لَوْ یُؤَاخِذُ اللهُ النّاس بِظُلْمِهِم مَّا تَرَک عَلَیْهَا مِن دَآبَّهٍ)(۲)؛ بر این اساس چنانچه خداوند متعال به خاطر ظلم و ستم بندگان آنها را مؤاخذه نماید، از شدت عذاب الهی هیچ جنبنده ای روی زمین باقی نخواهد ماند و نعمت هایی را که به خاطر انسان آفریده شده اند از او باز پس خواهد گرفت. مطلب قابل توجه در این میان، زندگی سرشار از نعمت انسان ها با وجود گناه فراوان آنهاست که از تأمل در آن در می یابیم که ایمن بودن انسان از عذاب الهی به سبب عاملی است که در قرآن کریم و روایات به عنوان حجت الهی از آن

۱- بقره (۲)، ۲۹.

۲- نحل (۱۶)، ۶۱.

یاد شده است در قرآن کریم نیز در این باره آمده است:

(وَمَا کانَ اللّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ) خدا مردم را عذاب نمی کند؛ زیرا (وَأَنتَ فِیهِمْ)(۱)؛ چون تو در بین مردم هستی. جهان برای بشر آفریده شده است: (خَلَقَ لَکم مَّا فِی الأَرْضِ جَمِیعاً)(۲)؛ «جمیعاً»؛ یعنی هر آنچه در زمین است، برای بشر خلق شده و بشر هم برای عبادت آفریده شده است: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ الّا لِیَعْبُدون(۳))؛ هستی برای ما و ما هم برای بندگی خدا آفریده شده ایم. بنابر قرآن اگر خدا بخواهد به خاطر گناهانمان ما را مؤاخذه کند، به محاسبه بکشاند و مجازاتمان کند؛ همه نابود خواهیم شد؛ این در حالی است که با وجود گناه کار بودنمان خدا همه را نابود نمی کند و این تنها به خاطر وجود پیامبر در بین مردم است: (وَأَنتَ فِیهِمْ)(۴). ممکن است کسی بگوید: «وَ اَنْتَ» برای شخص پیامبر است و شامل سایر اهل بیت نمی شود در پاسخ باید گفت: «بِکمْ یُنَفِّسُ الْهَمَّ وَ یَکشِفُ الضُّرَّ» یا «بِکمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِکمْ یَخْتِمُ»(۵) یعنی شخص پیغمبر به عنوان ولی خدا است. در اینجا شخص مهم نیست بلکه مقام نبوت و مقام رسالت است که باعث رفع عذاب می شود و این مقام ولی

ص:۱۴۰

۱- انفال (۸)،۳۳.

۲- بقره (۲)، ۲۹.

۳- ذاریات (۵۱)، ۵۶.

۴- انفال (۸)، ۳۳.

۵- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵.

اللّهی به اهـل بیت او هم رسـیده است. بر اسـاس زیـارت جـامعه کـبیره صـفاتی را که مـا برای پیغمـبر می گوییم، همه را برای امیرالمؤمنین هم قائل هستیم؛ همه را برای حضرت مهدی هم قائل هستیم، در این میان فقط یک تفاوت وجود دارد و آن اینکه فقط به پیغمبر وحی می شد. بنابر گفته شیعه و سنی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «تو همه مقامات مرا داری؛ مگر این که بعد از من پیامبری نخواهد بود: أَنَّهُ لَا نَبِیَّ بَعْدِی»(۱)

خداونـد در آیه ای خطاب به پیامبر فرمود: (وَإِن كادُواْ لَیَسْتَفِزُّونَک مِنَ الأَرْضِ)(۲) مشـرکان می خواهند تو را از منطقه تبعید کنند! امّا اگر تو در مکه نباشی: (إِذًا لَّا یَلْبَثُونَ خِلافَک إِلَّا قَلِیلًا)(۳) مکه هم زیر و رو می شود.

در طول تاریـخ دو مرتبه به کعبه حمله شـد یـک بار خـدا غضب کرد و بار دیگر نه. ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا خـدا یـک بـار غضب کرد و بـار دیگری غضب نکرد! در پاسـخ بایـد گفت: ابرهه پادشاهی بود که کعبه ای ساخت و به مردم گفت: «به جـای مکه، دور کعبه ای که من در کشور ساختم، طواف کنیـد!»؛ امّا به کعبه او جسارت و بی اعتنایی گردیـد؛ پس لشکر فیل سواری تشکیل داد و تصمیم گرفت کعبه را خراب کند؛ در قرآن

۱- کافی، ج ۸ص ۲۵.

۲- اسراء، ۷۶.

۳- اسراء، ۷۶.

چنین آمده است: (أَلَمْ تر کیْفَ فَعَلَ رَبُّک بِأَصْحَابِ الْفِیلِ)(۱)؛ آیا نمی بینی که خدا با اصحاب فیل چه کرد؟!» فیل سوار هایی که آمدند کعبه را خراب کنند: (تَرْمِیهِم بِحِجَارَهٍ مِّن سِجِّیلٍ)(۲) «حجاره» به سنگ کوچک گفته می شود از جنس سجّیل که به تعبیر قرآن وقتی به سر آن ها می خورد افراد مانند کاه خورد شده می شدند: (فَجَعَلَهُمْ کعَصْفٍ)(۳)، این سنگ ریزه از عدس بزرگتر بود از نخود کوچک تر، به مخ هر کس می خورد، پودر می شد؛ بنابر این درباره آثار و فواید امام می توان گفت که وجود او مانند کوه ها برای زمین است. قرآن می گوید: اگر کوه ها نبود زمین دائماً در حال لرزیدن بود. در قرآن کریم آمده است: (تَمِیدَ بِکمْ)(۴). گداختگی درون زمین طوری است که پوست زمین همیشه در حال لرزیدن است. کوه ها این پوسته را نگه داشته اند؛ مانند پدری پیر که ممکن است با بچه اش فوتبال نکند؛ ولی اگر سایه پدر نباشد، آسیب های اجتماعی زیادی او را تهدید خواهد کرد. در ایام جنگ گاهی پیرمردی از علما به جبهه می رفت، مثل آیت الله مدنی، اشرفی، صدوقی. بعضی از آنها مانند آیت الله دستغیب و آیت الله مشکینی حتی با لباس رزم بین رزمنده ها می رفتند و هرچند نمی توانستند همپای رزمندگان بسیجی فعالیت کنند؛ امّا همین حضور آنها در جبهه موجب تجدید

۱- فیل (۱۰۵)، ۱.

۲- فیل (۱۰۵)، ۴.

۳- فیل (۱۰۵)، ۵.

۴- نحل (۱۶)، ۱۵.

روحیه هزاران نفر بود.

به هر روی، تا زمانی که حضرت مهـدی در میان امت است، تعجیل در عذاب مهدی باوران صورت نمی گیرد و این از برکت وجودی امـام عصـر علیه السـلام است. از این رو برای سـلامتی و ظهور او در دعا تأکیـد می شود و که خداونـد همواره و برای همیشه حضـرت مهـدی علیه السـلام را مورد عنایت خاص خود قرار دهـد، او را در ولایت الهی خود از همه دشـمنان محافظت نمایـد، راهنمایی اش کرده و مورد یاری ونصـرت خود قرار دهـد تا اینکه در زمین مسـتقر گردد و ظهورش در تمام عالم جلوه گر شود و حکومت الهی را به او بسپارد.

در روایت بر خواندن دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ویژه در شب قدر توصیه و سفارش شده است.

زیارت آل یاسـین نیز به عنوان زیارت خاص حضرت مهدی علیه السلام مورد توجه آن امام قرار گرفته است. در فراز هایی از این زیارت چنین آمده است: «سَلَامٌ عَلَی آلِ یس السَّلَامُ عَلَیْک یَا دَاعِیَ اللَّهِ وَ رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ السَّلَامُ عَلَیْک یَا بَابَ اللَّهِ وَ دَیَّانَ دِینِه.»

امـام مهـدی نشـان گر راه هـای ارتبـاطی بـا خداونـد متعـال است؛ به بیانی دیگر مهـدویت دروازه همه معارف است و مسـیری شایسـته برای ورود به سـاحت قـدس الهی می باشـد. توجه به او موجب تحقق ارتبـاطی محکم بـا خداونـد متعال می شود و در برقراری ارتباط با خدا به جامعه کمک می کند؛ چرا که او حجت خداوند متعال در زمین و راهنمای مردم در رسیدن به

اهداف الهی است. به هر روی؛ زیارت آل یاسین از نظر محتوایی بسیار غنی و ارزشمند است. برای همین مقام معظّم رهبری به حاجی هایی که به مکه مکرّمه مشرف می شوند، سفارش کرده اند، در شب عید قربان و در بیابان عرفات، وقتی لباس احرام بر تن دارید، در بیابان و زیر آسمان این زیارت را بخوانید. به ویژه که بنابر روایات حضرت مهدی علیه السلام هر سال در ایام حج، در مکه هستند. ایشان فرمودند: در آن جا چون همسایه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستید، به آن حضرت سلام کنید و زیارت «آل یاسین» را بخوانید.

با توجه به اهتمام ویژه اسلام به مسأله امامت، مسلمان راستین هرگز در عمل به آموزه های دینی از امام به حق و حجت خداوند متعال جدا نمی شود و حکومتی را می پذیرد که فقط خدا آن را تعیین کرده باشد. به همین دلیل، کسی که مدیریت و رهبری جامعه دینی را از طریق رهبر ستمگر بپذیرد، دین ندارد و چنین تفکر ی مثل آن است که مردم بخواهند از راه معاویه یا حکومت بنی امیه به آئین اسلام عمل کنند. طبیعی است که این امکان ندارد و نتیجه ای جز انحراف از دین و باطل شدن اعمال ندارد؛ چنان که در روایت آمده است: «اگر همه مردم نماز شب بخوانند و در نماز از خوف خدا گریه کنند؛ ولی رئیس آن ها طاغوت باشد، خداوند می فرماید: والله قسم این مردم را به جهنم می برم؛ گرچه آنان عملکرد خوبی هم داشته باشند؛ اما مردمی که رهبر و امامشان عادل است، آن ها را می بخشم؛ گرچه تک تک مردم ظالم باشند (گنهکار باشند)، چون نظام آنها نظامی الهی است»؛ بنابراین مدیریت و رهبری فقط باید از راه خدا، ولی و حجت او باشد؛

ص:۱۴۴

یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا شاد بودند و می خندیدند؛ چرا که همه آنها بهشتی بودند. یکی از آن ها خطاب به دوستانش گفت: شوخی نکنید؛ امشب، شب عاشورا است! گفتید: چرا شوخی نکنیم، در حالی که حسین علیه السلام رهبر ما است! اگر رهبر حسین علیه السلام باشد، همه چیز ارزش پیدا می کند، حتی اگر شوخی و خنده باشد؛ ولی اگر رهبر یزید باشد، نماز شب هم در آن جا ارزش ندارد.

در روایت دیگری آمده است: «کسی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: «آقا! فلانی آدم خوبی نیست، او را رها کنید!» فرمود: «پس، چه کسی خوب است؟!» در جواب گفت: «من یا فلانی.» امام علیه السلام فرمود: «او چه اشکالی دارد؟» گفت: با آدم های بد رفیق شده است. و همنشینان خوبی ندارد ! امام علیه السلام برای این که به او بفهمانند که هر چند بعضی ازکارهای آن شخص غلط است؛ اما دارای فضلیت هایی نیز هست نامه ای به او فرستاد و از او برای کمک به مستمندان درخواست پول کرد. آن شخص نیز پس از دریافت نامه از همان آدم های به اصطلاح بد، کمک قابل توجهی جمع آوری کرد و برای امام علیه السلام فرستاد. امام صادق علیه السلام پس از این اتفاق همین نامه را به همان شخص به اصطلاح خوب فرستاد و از او نیز برای مستمدان درخواست کمک کرد؛ ولی او و دوستانش به بهانه ای از یاری امام صادق علیه السلام خودداری نمودند. پس از آن امام علیه السلام فرمود: برای همین می گویم او شخص خوبی است.(۱) دقت و تأمل در این حدیث نشان می دهد امام علیه السلام از باطن افرد جامعه به خوبی آگاهی دارد

۱- به جهت روان بودن مطلب از ترجمه محتوایی بهره گیری شده است.

ولی از روی رحمت واسعه الهی و عنایت ویژه ای که به دوستداران اهل بیت علیهم السلام دارد همواره با ایشان از روی محبت و دوستی برخورد می نماید؛ به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که به یمن وجود او نظام هستی برپاست و خداوند متعال به برکت او شیعیان را در مشکلات یاری می کند. در این باره در توقیعی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «اگر دعای من برای شما نبود، دشمنان شما را از بین می بردند.»

دعای من شما را حفظ می کند. اعتقاد به این که کارهای ما را امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می بیند و نیز باور به این مطلب که پیامبر هفته ای یک یا، دو بار کارهای ما را ملاحظه می کند، ایجاب می کند که رفتار ما به بهترین شکل تغییر یابد، اگر ما بدانیم که اعمال ما خدمت امام زمان علیه السلام عرضه می شود لازم است به گونه ای رفتار نمائیم که با سیره ایشان هماهنگ باشد و موجبات خشنودی آن حضرت را فراهم آورد که اگر حجت خدا به ما نظر کند مشکلات ما حل خواهد شد به جهت اشاره به این مطلب در زیارت جامعه نیز آمده است: «بِکمْ یُنَفِّسُ الْهَمَّ» «بِکمْ فَتَحَ اللَّهُ»؛ «بِکمْ یَخْتِم» یعنی آغاز، پایان و کلید هستی در اختیار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و کلید حل مشکلات در دست اوست.

ص:۱۴۶

منابع و مآخذ

۱.قرآن کریم

۲.ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، انصاریان، ۱۳۸۴ش.

۳.______________، کمال الدین و تمام النعمه، طلیعه نور، ۱۳۸۳ش.

۴.______________، مَنْ لا یَحْضَرَهُ الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ش.

۵.ابن شعبه، حسین بن علی، تحف العقول، دارالحدیث، ۱۳۸۴ش.

۶.اخطب خوارزم، موفق بن احمد، مناقب، جامعه مدرسین، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ش.

۷.الهی قمشه ای، مهدی، مفاتیح الجنان، ۱۳۸۷ش.

۸.حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، جامعه مدرسین، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ش.

۹.طبرسی، احمد بن علی، احتجاج علی اهل اللجّاج، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ش.

۱۰.طبری، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، بی جا، بی تا.

۱۱.غزالی، ابو حامد، مشکاه الانوار، شیخی، ۱۳۹۱ش.

۱۲.فیض الاسلام، علینقی، نهج البلاغه، فقیه، ۱۳۸۷ش.

۱۳.کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، درالثقلین، ۱۳۸۸ش.

۱۴.مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، ۱۳۸۸ش.

۱۵.مفید، محمد بن محمد، ارشاد، سرور، ۱۳۹۰ش.

۱۶.نعمانی، ابوزینب، الغیبه، مدین، ۱۳۸۴ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹